احکام سوپرمارکت و خوار و بار فروشی



سید جعفر ربانی

پژوهشکده
امر به معروف
و نهی از منکر


بسم الله الرحمن الرحیم

احکام سوپرمارکت و خواروبار فروشی

نویسنده:

جعفر ربانی

ناشر چاپی:

معروف

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

احکام سوپرمارکت و خواروبار فروشی

مشخصات کتاب

سرشناسه : ربانی، سیدجعفر، ۱۳۴۳ -

عنوان و نام پدیدآور : احکام سوپرمارکت و خواروبار فروشی/ سیدجعفر ربانی؛ ویراستار ابوالفضل علی دوست؛ به سفارش ستاد امر به معروف و نهی از منکر، پژوهشکده امر به معروف و نهی از منکر .

مشخصات نشر : قم: نشر معروف □ ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری : ۱۲۰ ص..س م۱۹/۵×۱۱ ؛

فروست : فقه و زندگی؛ ۳۶.

شابک : ۲۵۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۱۲-۶۷-۶

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : کتابنامه: ص. ۱۱۹- ۱۲۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : فروشندگی -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع : Selling -- Religious aspects -- Islam

موضوع : سوپرمارکت ها

موضوع : Supermarkets

موضوع : فروشگاه ها و مغازه ها

موضوع : Stores, Retail

شناسه افزوده : ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر. پژوهشکده امر به معروف و نهی از منکر

رده بندی کنگره : BP۲۵۴/۶۵/ر۲الف۳ ۱۳۹۵

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۶۵۵

شماره کتابشناسی ملی : ۴۲۶۴۳۳۳

ص: ۱

اشاره

فهرست مطالب

فصل پنجم: معیوب بودن کالا

ص: ۸

فصل ششم: مایعات

فصل هفتم: بهداشت

فصل هشتم: کم فروشی

فصل نهم؛ برهم زدن معامله

ص: ۹

سخن پژوهشکده

فقه و زندگی و سبک زندگی اسلامی

اسلامی شدن زندگی اجتماعی در مرحله شناخت مستلزم سه گام است:

شناخت معروف و منکر در فعالیت های فردی و روابط انسان و خداوند عزّوجل

شناخت معروف و منکر در حوزه روابط اجتماعی و معاملات اقتصادی

شناخت معروف و منکر در روابط دولت و ملت.

در گام اول فعالیت های فقهی، اخلاقی پژوهش های اخلاق مدار فراوانی توسط عالمان و محققان پدید آمده و اصلاح و تقویت روابط عبادی، عقیدتی و معرفتی انسان با خداوند متعال را مورد توجه قرار داده است.

گام دوم یعنی شناخت معروف و منکر در روابط اجتماعی

ومعاملات اقتصادی، کاری است که با وجود برخی از آثار علمی و پژوهش های ارزشمند با نگاه تخصصی به هر صنف مورد توجه قرار نگرفته است. سلسله کتاب های فقه و زندگی» به پژوهش و نگارش در حوزه اصناف خاص توجه دارد و بایدها و نبایدهای فقهی و اخلاقی و آداب اسلامی هر اتحادیه صنفی ودست اندرکاران مشاغل مختلف تولیدی، توزیعی، و خدماتی را محور پژوهش و نگارش و اطلاع رسانی خویش می داند.

گام سوم در شناخت معروف و منکر به روابط مردم و حکومت ها اختصاص دارد، اسلامی شدن روابط دولت و ملت بالاترین گام به سوی رضای خداوند متعال محسوب می شود و در سایه پیروی از رهبری الهی و تسلیم دولت و ملت در برابر قوانین قرآن و عترت امکان پذیر است.

در حدود سالهای ۱۳۷۲ ش با آغاز فعالیت های ستاد امر به معروف و نهی از منکر طرح پژوهشی فقه و زندگی توسط جناب حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمد حسین فلاح زاده، پی ریزی شد. هدف طرح، تألیف وتدوین مجموعه کتاب هایی در زمینه آداب و احکام اسلامی برای اصناف و مشاغل گوناگون اقتصادی و بازاریان کشور بود، با هماهنگی این دو نهاد فرهنگی تألیف حدود بیست جلد از این مجموعه در سال های آغاز کمک خوبی

به بازاریان متدین در زمینه شناخت احکام شرعی و حلال وحرام مشاغل بشمار می رفت. اما مثل بسیاری دیگر از

طرحها این کار هم به دلایل مختلف ناتمام ماند و در زمینه احکام فقهی بسیاری اصناف ا□ری فراهم نیامد.

ضرورت اسلامی شدن بازار، علاقه بسیاری از کسبه محترم در بخش های تولید و توزیع و خدمات و پیگیری دبیر محترم ستاد امر به معروف و نهی از منکر حجت الاسلام والمسلمین زرگر دام عزه العالی سبب احیای مجدد این طرح پژوهشی کاربردی در سال ۱۳۹۳ ش شد و تالیف و تدوین کتبی دیگر در زمینه فقه اصناف در دستور کار پژوهشکده امربه معروف و نهی از منکر قرار گرفت.

در سال های آغازین، این پژوهش ها با هدایت و حمایت ستاد و نظارت علمی و فقهی برادران گرامی حجج اسلام محمدحسین فلاح زاده و محمود مهدی پور شکل گرفت و بیست و چند دفتر از آن فراهم آمد. اینک بار دیگر پس از

حدود چهارده سال، این کار ناتمام و بر زمین مانده به توفیق الهی و نظارت جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج سید محمد تقی علوی و همکاری گروهی از فضلای حوزه علمیه قم در پژوهشکده امربه معروف پیگیری می شود،

همیشه اصناف محترم و صاحبان مشاغل در انجام

ص: ۱۳

وظیفه خود نیاز به احکام و قوانین الهی دارند و لازم است معروف و منکرات صـنفی را بشناسـند. تحولات صنفی و دگرگونی ها در حوزه کسب و کار سبب می شود که احکام براساس نیازهای روز مورد بازنگری فقهی و علمی قرار گیرد وتفقه واجتهاد جدیـد ضـرورت یابد. از این رو بار دیگر با اسـتفاده از فتاوی مراجع بزرگوار تقلید و قوانین مصوب شورای نگهبان موضوعات کارنشده در برنامه پژوهشـی قرار گرفت و بیست اثر جدید تحقیق و تولید شد. عناوین پژوهش های سال **۱۳۹۳** ش بدین شرح است:

احکام صنف طلاوجواهر

احکام تلفن همراه

احکام بازی های رایانه ای

احکام صنف اتوبوسرانی

احکام صنف فرش و تابلو فرش

احکام صنف کیف و کفش (سراجان)

احکام صنف ماهی فروشان

احکام صنف ناشران

احکام صنف پوشاک

احکام صنف نانوایان

احکام صنف رایانه و اینترنت

احکام صنف پرندگان و پرنده فروشان

ص: ۱۴

احکام صنف اغذیه فروشان

احکام صنف پارک ها

احکام عمومی کسب و کار

احکام صنف قهوه خانه ها

احکام صنف الکتریکی

احکام صنف عطاری و دارو گیاهی

احکام صنف لوازم صوتی و تصویری

احکام بیمه ها

این دفترازفقه و زندگی که با تلاش برادر گرامی حجت الاسلام والمسلمین سیدجعفرربانی پدید آمده به احکام میوه و تره بار اختصاص یافته است و امیدواریم محققان و دست اندرکاران محترم با ارائه تجارب و مسائل شرعی خویش ما را در تکمیل این اثریاری کنند.

با درخواست توفیق از خداوند دانا و توانا و یاری محققان حوزوی و همراهی اصناف کشور، بسیج اصناف و مسؤلان ستادهای امربه معروف، می توان به سوی اسلامی شدن بازار، آرامش روانی جامعه، کاهش جرم و تخلفات اقتصادی و کسب رضای حضرت حق گام هایی بلندتر برداشت.

امیدواریم با شناخت احکام الهی در تمام بخش ها و اجرای آن در زندگی فردی و اجتماعی و در سایه فقه ناب اسلامی و با هدایت حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه

ص: ۱۵

الشریف ، توحید و عدالت در سراسر عالم حاکم گردد. آن شاء الله.

قم پژوهشکده امر به معروف و نهی از منکر

خیابان سمیه کوچه ۱۲ پلاک ۳۵۵

fmaroof.ir info@fmaroof.ir

ص: ۱۶

مقدمه

صنف «سوپر مارکت» و «خوار بار فروشـی» مثل بسـیاری از اصـناف، از خدمتگزاران جامعه و تلاش گران اقتصاد کشورند و از چند زاویه دارای شرایط خاصی هستند. برخی از ویژگی های این صنف عبارت است از:

۱. این صنف توزیع کالاهای اساسی مورد نیاز جامعه را عهده دار است؛

۲. مواد خوراکی موجود در سوپرها و خواربار فروشی ها، مورد اهتمام احکام شرع است؛

۳. اجناس موجود در خوار بار فروشی ها و سوپرمارکت ها متنوع هستند؛

۴. رایج ترین شغل که در هر کوی و برزن مشاهده می گردد، همین صنف است؛

۵. همه قشرهای جامعه بدون استثنا با این شغل و با این

ص: ۱۷

صنف سرو کار دارند؛

۶. خوار بار فروشی صبغه «سُنّتی» به خود گرفته و از حرفه هایی است که دارای سابقه دیرینه می باشد؛

۷. در صد قابل توجهی از فروشندگان خوار و بار را قشر «دین مدار» و ملتزم به حلال و حرام الاهی تشکیل می دهد.

از سوی دیگر، ضرورت توجه به احکام خرید و فروش، امری اجتناب ناپذیر می نماید؛ چرا که نقش لقمه های حلال و حرام در پیدایش صلاح و فساد در فرهنگ دینی و شیعی برای همگان امری واضح است.

با توجه به مقدمه مزبور، در این نوشتار، احکام مربوط به «صنف سوپرمارکت ها و خواربار فروشی» را بررسی و نکاتی را در این زمینه مطرح می کنیم.

لازم می دانم از مسئولان «پژوهشکده امر به معروف و نهی از منکر» تشکر کنم و آرزوی توفیقات بیش تر را برای دست اندرکاران این مؤسّسه محترم داشته باشم.

فصل اول: فروشگاه

اشاره

«محل کسب»، دارای احکامی است که در این فصل نکاتی در این زمینه بیان می کنیم:

مباح بودن

اشاره

تصرف در مکان، فرع بر اباحه آن می باشد؛ بدین معنی که کسی مجاز نیست جایی را به اشغال خود در آورد، مگر آن که برای او حلال باشد.

حلال بودن مکان فروش، در گرو یکی از این موارد است:

۱. ملکیت

شخصی می تواند در هر مال و از جمله در مغازه تصرف

کند که مالک آن باشد؛ و تفاوت نمی کند که ملکیت، از طریق خریدن حاصل شده باشد، یا ارث، یا هدیه.

۲. اجاره

مستأجر، مالک منافع (حق استفاده) می باشد. قابل ذکر است که با پایان یافتن مدت اجاره، ماندن مستأجر در محل کسب، حکم غصب را پیدا می کند، مگر آن که مالک مکان، رضایت دهد.

۳. سرقفلی

«سرقفلی» عبارت است از این که «حق مدیریت ملک» به شخص دیگر واگذار شود (به استثنای فروش)؛ اعم از این که خود او استفاده کند، یا دیگری.

۴. عاریه

«عاریه» عبارت است از این که مالک، مال خود را در اختیار دیگری قرار دهد تا او به طور رایگان از مال مالک استفاده کند.

در غیر موارد مذکور، استفاده از مال مالک، عنوان «غصب» به خود خواهد گرفت.

ص: ۲۰

غصب

اشاره

«غصب» یکی از گناهان محسوب می گردد که هم عقل بر قبیح بودن آن قضاوت می کند و هم آیات و روایات فراوان، ما را بر حرمت آن رهنمون می گردد. علاوه بر این که حرمت غصب مورد اتفاق مسلمین است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم در آخرین سخنرانی خود چنین فرمودند:

«أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ وَ لَا يَحِلُّ لِمُؤْمِنٍ مَالُ أَخِيهِ إِلَّا عَنْ طِيبِ نَفْسٍ مِنْهُ(1)؛ ای مردم! مؤمنین با یکدیگر برادرند؛ مال مؤمن برای برادرش حلال نیست، مگر از روی رضایت مالک».

امام خمینی می نویسند :

کسانی که خانه یا دکان یا غیر آن ها را از صاحبانش اجاره می کنند، مدت اجاره که به سررسید، حرام است بدون اذن صاحب محل در آن جا اقامت کنند و باید محل را فوراً با عدم رضایت صاحبش تخلیه کنند و اگر نکنند غاصب و ضامن محل، و ضامن مثل مال الاجارهٔ آن هستند و برای آن ها به هیچ وجه حقی شرعاً نیست؛ چه مدت اجاره آن ها کوتاه باشد

۱- وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۲۰.

یا طولانی، و چه بودن آن ها در مدت اجاره موجب زیادت ارزش محل شده باشد یا نه، و چه بیرون رفتن از محل، موجب نقص در تجارتشان باشد یا نه(۱).

• مسئله

۱. کسی که در محل غصبی معامله کند، گرچه گناه کرده و اجرت مکان را به مالک آن مدیون می باشد؛ معاملاتش صحیح است، به شرط آن که سرمایه از آنِ خودش باشد. در غیر این صورت، تمام سود حاصل شده مال مالک سرمایه است.

۲. نماز خواندن در مکان غصبی به فتوای بیشتر فقها باطل است.

۳. روزه گرفتن در مکان غصبی سبب بطلان آن نمی گردد؛ گرچه ماندن در مکان غصبی کار حرامی محسوب می شود.

نام و تابلو

در حدیث آمده است که یکی از اقدامات فرهنگی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، تغییر نام های زشتِ اشخاص و شهرها بود : «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم کَانَ یُغَیِّرُ الْأَسْمَاءَ الْقَبِیحَهَ فِی الرِّجَالِ

۱- توضیح المسائل محشی، ج ۲، ص ۷۸۹.

وَ الْبُلْدَانِ(۱)».

بر این اساس، لازم است صاحبان سوپرمارکت ها و بقالی ها در انتخاب نام و تابلو فروشگاه خود دقت کنند و از اسم هایی که در بردارنده نکات منفی، تهاجم فرهنگی یا ترویج کفر است، پرهیز کنند و حتی در انتخاب نوع خط تابلو فروشگاه دقت داشته باشند و از خطوطی استفاده کنند که با فرهنگ بومی ما سازگار است.

در مورد نام گذاری برای اشخاص، به این ماجرا توجه کنید:

یعقوب سراج می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم؛ دیدم ایشان در کنار گهواره فرزند نوزاد خود، موسی بن جعفر علیه السلام قرار دارند و با آن حضرت به طور سرّی و طولانی صحبت می کنند.

نشستم تا امام صادق علیه السلام از صحبت با فرزندشان فارغ شدند. آن گاه حضرت به من رو کرده، فرمودند : به مولایت نزدیک شو و بر ایشان سلام کن! نزدیک شدم و بر آن حضرت در گهواره سلام کردم؛ موسی بن جعفر علیه السلام جواب سلام مرا با زبان فصیح دادند؛ سپس به من فرمودند: نام دخترت را که دیروز بر او

۱- وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۳۹۰.

نام نهاده ای تغییر ده؛ زیرا آن نام را خداوند دشمن می دارد.

امام صادق علیه السلام به من فرمودند: امر مولایت را اطاعت کن! من امتثال نموده، نام دخترم را تغییر دادم. (۱)

نصب آیات قرآن

شایسته است که صاحبان سوپرمارکت ها و بقالی ها محل کسب خود را با آیاتی از قرآن مزیّن کنند. این امر می تواند سه فایده در بر داشته باشد :

۱.متبرک شدن محل کسب با کلام خداوند؛

۲. بهره مند شدن از فواید معنوی آیات قرآن، مانند آیه و ان یکاد(۲)؛

۱- منتهی الآمال، ج ۳، ص ۱۴۶۷.

۲- وَ إِنْ یَکادُ الَّذینَ کَفَرُوا لَیُزْلِقُونَکَ بِأَبْصارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّکْرَ وَ یَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ (سوره قلم آیه ۵۱). مفسرین در شأن نزول آیه شریفه «و ان یکاد» آورده اند : برخی از بنی اسد به شوری چشم مشهور بودند، تا آن جا که شتر فربه و گاو چاق را نظر می زدند و با اطمینان به کنیزشان می گفتند پول و پیمانه بردار و برو از او گوشت بخر! دیری نمی کشید که شتر چشم خورده مشرف به مرگ می شد و صاحبش به ناچار آن را قربانی کرده، گوشتش را می فروخت. نیز نقل شده است مرد بد چشمی بود که برای نظر زدن دو سه روز چیزی نمی خورد؛ سپس گوشه خیمه اش را بلند می کرد و اگر گله ای از آن ها می گذشت و او می گفت : امروز شتر و بز و گوسفندی از این بهتر چرانیده نشده؛ دیری نمی گذشت که چند تا از آن حیوانات می مردند! کفار از آن مرد درخواستند که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم را نظر بزند و همان آسیب را به حضرت برساند. خدای تعالی پیغمبرش را از چشم زخم مصون داشت و آیات ۵۱ و ۵۲ سوره قلم را نازل فرمود (اسباب النزول، ترجمه ذکاوتی، ص ۲۳۴).

۳. تبلیغ فرهنگ دینی و نشر پیام خداوند.

شیک بودن مغازه

بسیاری از صاحبان سوپرمارکت ها به فروشگاه خود رسیدگی می کننـد و آن را به صورتی زیبا شکل می دهند. این کار نه تنها اشکال ندارد، بلکه مورد تأیید قرآن مجید است :

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زینَهَ اللَّهِ الَّتی أَخْرَجَ لِعِبادِهِ وَ الطَّیِّباتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِیَ لِلَّذینَ آمَنُوا فِی الْحَیاهِ الدُّنْیا خالِصَهً یَوْمَ الْقِیامَهِ کَذلِکَ نُفَصِّلُ الْآیاتِ لِقَوْمٍ یَعْلَمُونَ(۱)؛

ای پیامبر! بگو: چه کسی زینت های الاهی را که برای بندگان خود آفریده، و روزی های پاکیزه را حرام کرده است!؟ بگو: این ها در زندگی دنیا، برای کسانی است که ایمان آورده اند [اگر چه دیگران نیز با آن ها مشارکت دارند؛] در قیامت، خالص [برای مؤمنان] خواهد بود. این گونه آیات [خود] را برای کسانی که آگاهند، شرح

۱- اعراف: ۳۲.

می دهیم(۱).

نصب تصویر

برخی مغازه داران برای زیبایی فروشگاه و جلب مشتری، عکس ها و تابلوهایی را بر در و دیوار محل کسب خود نصب می کنند. سؤال این است که حکم این تصاویر چیست؟

پاسخ این است که تزیین مغازه و فروشگاه ها به وسیله تصویر اشکال ندارد، به شرط آن که ترویج فرهنگ کفر، انحراف فکری و مهیّج شهوت نباشد.

استفتا از آیت الله مکارم: فرش ها و کوبلن هایی با تصاویر زنان سر برهنه، یا رقّاصی های دسته جمعی بافته می شود؛ همچنین عکس های مینیاتوری که با همین مضامین کشیده می شود. تهیّه، تولید، خرید، فروش و نصب آن ها در منازل یا مغازه ها چه صورتی دارد؟

جواب: با توجّه به این که این عکس ها ترویج فساد است، تولید و خریدوفروش و نگهداری آن اشکال دارد.

استفتای دیگر: اخیراً تهیه و توزیع تصاویر مهیج شهوت در شکل های مختلف و بعضاً به بهانه عرضه آثار هنری و عرفانی، بر روی کاشی ها، لباس ها، کارت های تبریک و مانند آن شایع گردیده است؟ نظر مبارک نسبت به موارد ذیل

۱- اقتباس از ترجمه آیت الله مکارم.

چیست؟

الف) خریدوفروش این گونه تصاویر چه حکمی دارد؟

ب) وظیفه فروشندگان نسبت به محو تصاویر مبتذل که بر روی اجناسی مانند لباس، صابون، بسته های شیرینی و امثال این هاست؛ چیست؟

ج) مزد کارگران و بنّاها در قبال نصب کاشی هایی که به این گونه تصاویر منقّش می باشد، چه حکمی دارد؟

د) آیا نصب تصاویر مذکور در معرض دید افراد جایز است؟

جواب: استفاده از تصاویر مبتذل و فسادانگیز، به هر نحو که باشد، جایز نیست، و ترویج آن نیز شرعاً ممنوع است، و مزد گرفتن در برابر آن مجاز نمی باشد، و چنانچه بتوانند باید آن را محو کنند(۱).

کارمندان

در برخی از سوپرمارکت های بزرگ، کارمندان متعددی تحت مدیریت واحد، مشغول خرید و فروش هستند.

لازم است در این موارد به چند نکته توجه شود :

الف) از استخدام افراد غیر امین خود داری کنند و

۱- استفتائات جدید آیت الله مکارم، ج ۳، ص ۱۵۱.

دقت کامل را در این مسیر به کار گیرند؛ زیرا به کار گرفتن افراد خائن و بی بند و بار، به ضرر فروشگاه و مشتریان؛ بلکه ضرر جامعه خواهد بود.

ب) کارمندان، اجیر محسوب شده و پیمان بسته شده با آنان تحت عنوان «اجاره» منعقد می گردد. بر این اساس، بر کارمندان و مدیران واجب است طبق قرار داد عمل کنند.

ج) استخدام کارمندان زن، در مواردی که مراجعان اغلب یا همه مرد هستند، مناسب نیست؛ چرا که بنای شرع مقدس اسلام بر تعیین حریم برای زنان می باشد، نه این که از بانوان و دوشیزگان، «ابزار گونه» استفاده شود، یا به طور غیر متعارف در معرض نگاه نامحرمان قرار گیرند.

د) به کارمندان، آموزش های لازم داده شود، تا هم از حرام و حلال خداوند مطلع گردند و هم در برخورد با همه قشرهای جامعه رفتاری مناسب داشته باشند.

ه-) شیک پوش بودن کارمندان اشکالی ندارد، بلکه بسیار مطلوب است. به این حدیث دقت کنید:

عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام إِنَّ اللَّهَ جَمِیلٌ یُحِبُّ الْجَمَالَ وَ یُحِبُّ أَنْ یَرَی أَثَرَ النِّعْمَهِ عَلَی عَبْدِهِ(۱)؛

امام صادق علیه السلام به نقل از امیر المؤمنین علیه السلام

ص: ۲۸

۱- کافی، ج ۱، ص ۴۳۸.

فرمودند: خدا زیبا است و زیبایی را دوست دارد و نیز دوست دارد آثار نعمت های خودش را در بنده اش ببیند.

و رعایت شئون اسلامی و حدود الاهی در فضای کار، الزامی است و هیچ عاملی نباید باعث سستی در این مقوله شود.

کارمندان زن

اشاره

بر اساس آیات و روایات معصومین علیهم السلام زن کانون عاطفه، تربیت و محبت است که باید کرامت او حفظ گردد تا محیط خانه و خانواده مستحکم گردد.

امیر المؤمنین علی علیه السلام در نامه ای خطاب به امام حسن مجتبی علیه السلام ضمن سفارش هایی می فرمایند: «فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رَيْحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرَمَانَةٍ وَ لَا تَعْدُ بِكَرَامَتِهَا نَفْسَهَ(1)؛ زن، ریحانه و گل خوشبو است، نه قهرمان و میدان دار. مواظب باش کرامت زن را از بین نبری!».

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در تقسیم وظایف، تحصیل مخارج زندگی را بر عهده حضرت علی علیه السلام گذاردند و امور داخل منزل را بر عهده حضرت زهرا سلام الله علیها.

بر این اساس، عمده ترین رسالت بانوان عبارت است

۱- کافی، ج ۵، ص ۵۱۰.

از: شوهر داری، تربیت نسل سالم و برقراری محبت بین اعضای خانواده.

البته در صورت ناگزیر بودن از استخدام کارمندان زن، لازم است به چند نکته توجه شود :

۱. حتی الامکان کارهایی به آنان واگذار شود که در داخل منزل قابل انجام دادن باشد. تا در صورت امکان، بانوان بتوانند وظایف کاری خود را در منزل انجام دهند.

۲. اگر کار زنان در داخل منزل ممکن نیست، محل کار آنان به صورتی باشد که با نامحرمان ارتباطی نداشته باشند؛

۳. به بانوان اطلاع داده شود که در محیط کار از به کار بردن آرایش خودداری کنند.

۴. به آنان اطلاع داده شود که زن باید بدن و موی خود را از مرد نامحرم بپوشاند، بلکه احتیاط واجب آن است که بدن و موی خود را از پسری هم که بالغ نشده، ولی خوب و بد را می فهمد، بپوشاند.(۱)

استفتا از آیت الله بهجت

آیا پوشیدن و آرایش کردن طبق مد روز اشکال دارد؟

جواب: اگر ترویج کفرِ کافر نباشد، اشکال ندارد؛ لکن در مقابل نامحرم باید مراعات کنند(۲)

ص: ۳۰

۱- توضیح المسائل محشی، ج ۲، ص ۴۸۸.

۲- استفتائات آیت الله بهجت، ج ۴، ص ۱۸۰.

ازدحام نامحرمان

در برخی از ساعات، فروشگاه ها شلوغ می شوند. در این میان، چه بسا افراد آلوده به گناه که مکان های شلوغ را بهانه یا زمینه سوءاستفاده خود شمرده و از این گونه محل ها در جهت نافرمانی پروردگار، بهره می برند.

لازم است فروشندگان به این گونه افراد فرصت ندهند و تدبیری بیندیشند تا محل کسب و کار آنان از آلودگی به گناه پاک شود و تا کارشان برکت یابد.

خداوند می فرماید : وَ لَوْ أَنَ أَهْلَ الْقُری آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنا عَلَیْهِمْ بَرَکاتٍ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ وَ لکِنْ کَذَّبُوا فَأَخَذْناهُمْ بِما کانُوا یَکْسِبُونَ(۱)؛ و اگر اهل شهرها و آبادی ها ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند، برکات آسمان و زمین را بر آن ها می گشودیم؛ ولی [آن ها حق را] تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.

شوخی با نامحرم

از دیگر نکاتی که رعایت آن ضروری است، پرهیز از شوخی با نامحرم است. گاهی اوقات مشاهده می گردد که

۱- اعراف: ۹۶.

فروشنده با زنان نامحرم شوخی می کند. باید توجه داشت که امامان معصوم علیهم السلام ما از این کار منع کرده اند.

به این جریان توجه کنید:

ابا بصیر (از اصحاب امام صادق علیه السلام) می گوید : من برای خانمی کلاس خصوصی درس قرآن داشتم. روزی با او شوخی کردم. پس از مدتی خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم. آن حضرت مرا سرزنش نموده، فرمودند: کسی که در خلوتِ خود مرتکب گناه گردد، خداوند به او اعتنایی نخواهد کرد. آن گاه خطاب به ابابصیر فرمودند : به آن زن چه گفتی!؟

ابا بصیر می گوید : از خجالت، چهره خود را پوشاندم و توبه کردم.

امام باقر علیه السلام فرمودند : دیگر تکرار نشود! (۱)

دور بین های مدار بسته

یکی از ابزارهای «محافظتی» که در مراکز حساس و برخی سوپرمارکت ها رایج شده است، «دوربین های مدار

۱- عَنْ أَبِی بَصِیرٍ قَالَ: کُنْتُ أُقْرِئُ امْرَأَهً الْقُرْآنَ بِالْکُوفَهِ فَمَازَحْتُهَا بِشَیْ ءٍ- فَلَمَّا دَخَلْتُ عَلَی أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام عَاتَبَنِی- وَ قَالَ مَنِ ارْتَکَبَ الذَّنْبَ فِی الْخَلَاءِ لَمْ یَعْبَأِ اللَّهُ بِهِ- أَیَّ شَیْ ءٍ قُلْتَ لِلْمَرْأَهِ- فَغَطَّیْتُ وَجْهِی حَیَاءً وَ تُبْتُ- فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام لَا تَعُدْ (الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۵۹۴).

بسته» می باشد. در این زمینه مطالبی قابل یادآوری است :

الف) دور بین مدار بسته فقط می تواند به منظور «امنیت» فروشگاه به کار گرفته شود، نه امر دیگر. بدیهی است چنانچه از این گونه وسایل برای کارهایی همچون کشف اسرار دیگران و نگاه به نا محرمان استفاده شود، خلاف شرع و گناه خواهد بود.

ب) دوربین مدار بسته را فقط می توان در محدوده فروشگاه و کوچه و خیابانی که با امنیت آن مرتبط می شود، به کار برد. بنابراین، چنانچه فرض کنیم فروشگاه بر مناطق دیگر (مانند منزل های مسکونی اطراف) اشرف دارد، هرگز جایز نیست از دوربین ها استفاده شود.

ج) دور بین های مدار بسته می تواند «حجّت» و دلیل مناسبی برای مقامات قضایی باشد و برای پیگیری اشخاص دزد و متخلفین از قانون به کار گرفته شود؛ لذا این ایراد که آن چه در مقامات قضایی معتبر است، فقط دو شاهد عادل است، بی وجه می نماید؛ زیرا آنچه ملاک است، علم قاضی می باشد که می تواند از طریق این گونه وسایل هم حاصل شود. البته تمام آنچه ذکر شد، مشروط به این است که از سالم بودن دوربین و عدم دست کاری آن اطمینان به دست آید.

د) در صورت منعکس شدن تصویر یا فیلم شخص

متخلف به وسیله دوربین، لازم است به تطابق عکس و فیلم با چهره مورد نظر اطمینان کامل حاصل شود. بنابراین، اگر چهره، مخدوش و ناپیدا است، هرگز نمی توان اشخاص را به تخلف متهم کرد، مگر آن که با شواهد و قرائن دیگر، علم و یقین پیدا شود.

ص: ۳۴

فصل دوم: فروشندگان

اشاره

برخی از احکـام شـرعی به «فروشـندگان» و به خصوص «فروشـندگان مواد خوراکی و نوشـیدنی» مرتبـط است. از این رو، ذکر دسـتور العمـل هـا و قوانینی در خصوص فروشـندگان سوپرمـارکت هـا و بقـالی هـا، دارای اهمیت خاصـی است. در این زمینه مطالبی به شرح ذیل قابل طرح است:

اطلاعات فقهی

اقدام به خرید و فروش، مستلزم اطلاع از احکام شرعی است. امام خمینی در این زمینه می نویسند :

بر کسی که می خواهد در صدد تجارت یا سایر درآمد ها برآید، لازم است احکام و مسائل مربوط به آن ها را بداند تا

ص: ۳۵

معاملات صحیح و سالم را شناخته از «ربا» در امان ماند(۱).

بر این اساس، لازم است که فروشنده در زمینه فراگیری احکام خرید و فروش، به مؤلفه های زیر توجه کند:

الف) یاد گیری احکام شرعی به طور فشرده و کوتاه مدت؛

ب) به همراه داشتن رساله مرجع تقلید خود در محل کار، تا هنگام شک در حکم شرعی، به آن کتاب مراجعه کند؛

ج) به همراه داشتن شماره تماس با دفتر مرجع تقلید خود یا هر متخصصی که توانایی پاسخ دادن به سؤالات شرعی را داشته باشد.

قابل ذکر است که بر اساس روایات رسیده از معصومین علیهم السلام، برای فراگیری آموزه های دینی پاداش فراوانی بیان شده است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و اله وسلم به اباذر فرمودند: «ای اباذر! یک ساعت در جلسه علم نشستن، نزد خداوند از بیدار ماندن هزار شب که در شب هزار رکعت نماز خوانده شود(۲)،بهتر است».

۱- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۵۰۰ : «یجب علی کلّ من یباشر التجاره و سائر أنواع التکسّب تعلّم أحکامها و المسائل المتعلّقه بها لیعرف صحیحها عن فاسدها و یسلم من الربا...».

۲- بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۰۴ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: «يَا أَبَا ذَرٍّ الْجُلُوسُ سَاعَةً عِنْدَ مُذَاكَرَهِ الْعِلْمِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ قِيَامِ أَلْفِ لَيْلَهٍ يُصَلَّى فِي كُلِّ لَيْلَهٍ أَلْفُ رَكْعَهٍ...».

معامله با کودکان

اشاره

چند نکته توجه به این بحث را ضروری می سازد:

الف) بیش تر کودکان، با احکام شرعی آشنایی ندارند؛

ب) از آن جا که گفته می شود: «کودکان تکلیف ندارند»؛ ممکن است این جمله سبب جرأت برخی از آنان برای ارتکاب معاملات باطل و کارهای حرام گردد؛

ج) یکی از شرائط معاملات، بلوغ است؛

د) اجناس و خوراکی های موجود در سوپرمارکت ها، برای اطفال و اشخاص نا بالغ جذّابیت خاصی داشته و لذا یکی از مشتریان «پَرو پا قُرص» سوپرمارکت ها و بقالی ها را کودکان تشکیل می دهند.

مطالب مذکور و موارد مشابه، ضرورت توجه به بحث معامله با کودکان را ضروری می سازد. بر این اساس، باید دید معامله با «افراد نا بالغ» داری چه حکمی است؟

در پاسخ باید گفت: معامله با کودکان، ممکن است به یکی از دو صورت اتفاق افتد :

الف) وساطت

مقصود از «وساطت نابالغ» این است که فروشنده در غیاب خود، فرد غیر مکلف را به جای خویش برای

فروشندگی قرار دهد، یا این که پدر، مادر یا یکی از اشخاص بالغ، کودک را برای تهیه اجناس مورد نیاز، به بقالی یا سوپر مارکت گسیل کند.

با این فرض، در حقیقت، معامله بین دو بالغ واقع می شود و کودک در این بین، نقش واسطه ای برای نقل و انتقال پول و کالا است. بدیهی است در فرض مزبور معامله محکوم به صحّت خواهد بود.

ب) بدون وساطت

در مقابل فرض مذکور، گاهی اوقات کودکان، به طور «مستقل» و بدون وساطت، خود به خرید و فروش مبادرت می ورزند. این فرض، مورد بحث فقها می باشد و لازم است فروشندگان محترم برای اطلاع از صحت، یا عدم صحت معامله با افراد نابالغ، به رساله مرجع تقلید خود مراجعه کنند.

در رساله امام خمینی ضمن مسئله ۱۹۷۴چنین آمده است:

۱. معامله با بچه نابالغ باطل است؛ اگر چه پدر یا جدّ او اجازه داده باشند که معامله کند؛

۲. بچه اگر ممیّز باشد و چیز کم قیمتی را معامله کند که معامله آن برای بچه ها متعارف است؛ اشکال ندارد؛

۳. اگر طفل، وسیله ای باشد که پول را به فروشنده بدهد و جنس را به خریدار برساند، یا برعکس؛ چنین معامله ای صحیح است. البته باید فروشنده و خریدار یقین داشته باشند که طفل جنس و پول را به صاحب آن می رساند(۱).

اجناس خارجی

برخی از مواد غذایی از کشورهایی که کُفّار(۲) در آن جا زندگی می کنند، وارد می گردد. به این سرزمین ها، «کشورهای کُفر» گفته می شود.

یکی از سؤالاتی که معمولاً برای دست اندر کاران مواد غذایی و خوراکی ها و نوشیدنی ها و حتی برای عموم جامعه مطرح است، این که آیا استفاده از خوردنی ها و نوشیدنی هایی که از کشورهای کُفر به سرزمین اسلامی وارد می شود، جایز است یا نه؟

پاسخ این است که بین مواد داخلی و خارجی تفاوتی نیست و استفاده از همه آن ها شرعاً جایز است؛ به سه شرط:

اول: یقین نداشته باشیم چیز نجس در آن ها وجود دارد، یا به نجس برخورد کرده باشد؛

۱- توضیح المسائل امام خمینی، ص ۴۲۷.

۲- . مقصود این است که مردم آن سرزمین کافر هستند، اعم از این که دولت آن ها کافر باشد یا نه.

دوم: مواد غذایی از اعضای بدن حیوانات نباشد؛

سوم: مجتهد جامع الشرایط «حکم به منع» نداده باشد؛ اعم از این که ممنوعیت آن به دلیل جلوگیری از تقویت دولت کفر باشد یا هر مفسده دیگر.

معامله ربوی

بحث در مقوله «ربا» در معاملات موضوعیت خاصی دارد و ائمه معصومین علیهم السلام در مورد آن، حساسیت نشان داده اند؛ به گونه ای که یکی از مهم ترین تذکرات آن بزرگواران به ارباب تجارت، هشدار نسبت به ربا است.

در روایتی آمده است:

اصبغ بن نباته (از اصحاب خاص امیر المؤمنین علیه السلام) می گوید: شنیدم از حضرت علی علیه السلام که بر فراز منبر می فرمودند: ای بازرگانان! اول آشنایی با احکام؛ سپس تجارت. اول آشنایی با احکام؛ سپس تجارت. به خدا قسم! ربا در این امت از راه رفتن مورچه ای بر روی سنگ، مخفی تر است. اموال خود را با صدقه حفظ کنید. تاجر فاجر است و فاجر در آتش؛ مگر آن که حق بگیرد و حق بپردازد(۱).

ص: ۴۰

۱- من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۹۴: «عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَهَ قَالَ سَمِعْتُ عَلِیّاً علیه السلام یَقُولُ عَلَی الْمِنْبَرِیَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ الْفِقْهَ ثُمَّ الْمَتْجَرَ الْفِقْهَ ثُمَّ الْمَتْجَرَ وَ اللَّهِ لَلرِّبَا فِی هَذِهِ الْأُمَّهِ دَبِیبٌ أَخْفَی مِنْ دَبِیبِ النَّمْلِ عَلَی الصَّفَا صُونُوا أَمْوَالَکُمْ بِالصَّدَقَهِ التَّاجِرُ فَاجِرٌ وَ الْفَاجِرُ فِی النَّارِ إِلَّا مَنْ أَخَذَ الْحَقَّ وَ أَعْطَی الْحَقَّ».

در حدیث دیگر چنین آمده است: مردی خدمت امیر المؤمنین علیه السلام آمد و عرض کرد: ای امیر مؤمنان! می خواهم تجارت کنم. امام علی علیه السلام فرمودند: آیا احکام آن را آموخته ای؟ پاسخ داد: پس از اشتغال به تجارت، احکام شرعی آن را فرا می گیرم!

حضرت علی علیه السلام فرمودند: وای بر تو! اول آگاهی؛ سپس تجارت؛ زیرا کسی که خرید و فروش کند و از حرام و حلال سؤال نکند، آهسته آهسته در ربا فرو خواهد رفت(۱).

تذکر مهم در این زمینه این که ربا دارای دو قسم است: «ربای قرضی» و «ربای معاوضی».

۱- عَنْ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام أَنَّ رَجُلًا قَالَ: یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ! «إِنِّی أُرِیدُ التِّجَارَهَ قَالَ أَ فَقِهْتَ فِی دِینِ اللَّهِ؟ قَالَ یَکُونُ بَعْدَ ذَلِکَ، قَالَ وَیْحَکَ الْفِقْهَ ثُمَّ الْمَتْجَرَ فَإِنَّهُ مَنْ بَاعَ وَ اشْتَرَی وَ لَمْ یَسْأَلْ عَنْ حَرَامٍ وَ لَا حَلَالٍ ارْتَطَمَ فِی الرِّبَا ثُمَّ ارْتَطَمَ» (مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۴۷).

ربای قرضی مطلقاً حرام است و آن عبارت است از این که شخصی به دیگری قرض دهد و شرط کند مبلغی اضافه بر آن چه قرض داده است، دریافت کند.

آن چه بیشتر محور سخن ما است و با مباحث احکام سوپرمارکت ها مرتبط است، ربای معاوضی است.

«ربای معاوضی» آن است که دو چیز هم جنس با یکدیگر مبادله شود؛ در حالی که یک طرف، از طرف مقابل کمتر باشد. این گونه معاوضه باطل است؛ مشروط به این که آن جنس، وزن کردنی یا پیمانه ای باشد.

بنابراین، معیار در حرام بودن بیع ربوی، وجود سه شرط با هم است :

۱- مکیل (پیمانه ای) یا موزون (کشیدنی) بودن هر دو جنس؛

۲- اتحاد جنس (یکی بودن هر دو جنس، مانند فروختن برنج به برنج)؛

۳- کم بودن وزن یا پیمانه یکی از دو جنس در مقابل دیگری. به عبارت بهتر یقین نداشتن به تساوی وزنی یا پیمانه ای دو جنس.

پس از روشن شدن تعریف ربای معاوضی، بیان چند مثال را در این زمینه مناسب می دانیم که همه این معاملات باطل است در صورتی که به تساوی وزنی یقین نباشد :

- مبادله گندم به گندم یا جو(۱)؛

- مبادله قند به قند؛

- مبادله شیر به شیر؛

- مبادله مثلاً یازده کیلو از مشتقات شیر در مقابل ده

۱- گندم و جو در باب معاوضه یک چیز به حساب می آیند.

کیلو شیر(۱)؛

- مبادله نخود به نخود یا آرد نخود؛

- مبادله ارده به ارده یا کنجد(۲).

با توجه به این که حرمت ربای معاوضی مختص مکیل و موزون می باشد؛ مبادلات ذیل از آن جا که شمارشی است، اشکال ندارد؛ گرچه یک طرف از طرف دیگر کمتر باشد؛ مانند:

- مبادله چند شیشه نوشابه به چند تای دیگر؛

- مبادله چیزهایی که متری محاسبه می شود به یکدیگر، مانند فروش پارچه به پارچه(۳)؛

- مبادله چند عدد تخم مرغ به چند عدد دیگر؛ به شرط آن که فروش تخم مرغ به صورت عددی در آن شهر یا روستا متعارف باشد؛

- مبادله چند بسته بیسکویت به چند بسته دیگر.

در این حدیث دقت کنید : عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَارَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ

۱- دو چیزی که یکی اصل دیگری می باشد نیز در باب معاوضه یک چیز به شمار می رود.

۲- زیرا ارده از کنجد تهیه می شود.

۳- البته در برخی مناطق، پارچه را وزن می فروشند، در این صورت جایز نیست.

لَا يَكَونُ الرِّبَا إِلَّا فِيمَا يُكَالُ أَوْ يُوزَنُ(1).

عُبَيْدِ بْنِ زُرَارَةَ (فرزند زراره بن اعین) می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمودند: ربایی وجود ندارد، مگر در چیزهای پیمانه ای یا وزن کردنی.

لذا بر اساس اشتراط وحدت جنس (یکی بودن جنس فروخته شده و آن چه در مقابل آن دریافت می گردد)، این معاملات اشکال ندارد؛ گرچه یک طرف از طرف دیگر بیشتر باشد؛ مانند:

- مبادله همه حبوبات به غیر جنس خودشان، مانند مبادله لوبیا و نخود به یکدیگر؛

- مبادله گوشت و حبوبات به یکدیگر؛

- مبادله مواد بهداشتی به چیزهای دیگر.

تحویل جنس در منزل

برخی از سوپرمارکت ها شماره تماس، و ایمیل خود را در اختیار مشتریان می گذارند تا با تقاضای مشتری، جنس را در محل کار یا منزل به متقاضی تحویل دهند. در این مورد چند امر شایان ذکر می باشد:

الف) این امر دارای فوایدی است :

۱: مانع اتلاف وقت مشتریان می شود؛

۱- الکافی، ج ۵، ص ۱۴۶.

۲: از رفت و آمد های بی مورد جلوگیری می شود؛

۳: اشتغال زایی می گردد.

ب) پیک نمی توانـد جنس را جلو منزل یا محل کار مشتری بگـذارد و برود، بلکه بایـد آن را به متقاضـی تحویل دهد. در غیر این صورت، ضامن خواهد بود.

ج) اگر در حـال آوردن جنس، بر اثر حـادثه ای ماننـد تصـادم، جنس از بین برود، پیـک ضامن نبوده و لازم نیست خسارت را تحمل کند(۱)؛

به شرط آن که احتیاط مناسب را در نقل و انتقال انجام داده باشد؛

د) پیک موظف است در موعد مقرر، جنس را تحویل مشتری دهد؛

ه‍) پیک مسـتحق اجرت است؛ منتهی در این که چه مقـدار و از چه کسـی (فروشـنده یا خریدار) دریافت کند، لازم است قبلاً توافق لازم صورت گرفته باشد.

نسیه و دیر کرد

فروشنده می تواند جنس خود را به صورت اقساط و نسیه بفروشد؛ لکن برای تأخیر و «دیر کرد» دریافت پول خود، مجاز نیست پولی را از مشتری طلب کند؛ چرا که این، ربا(۲) خواهد بود.

۱- زیرا پیک، «امین» محسوب شده و شخص امین ضامن نیست.

۲- ربای مذکور، ربای در قرض است که مطلقاً حرام می باشد.

مواد فاسد

اشاره

چنانچه فروشنده اطلاع یابد که جنس او فاسد شده، یا تاریخ مصرفش گذشته، موظف است آن را از گردونه فروش خارج کند و در معرض قرار ندهد؛ زیرا شرط ارتکازی همه مشتریان، با دیدن اجناس، جنس سالم است. حال اگر فروشنده با آگاهی از فساد جنس یا گذشتن تاریخ مصرف آن، به فروش اقدام کند؛ چند حکم مرتبت می شود:

الف) مدیون شدن به مشتری

از آن جا که جنس معیوب و تاریخ مصرف گذشته دارای ارزش کمتری است، یا هیچ ارزشی ندارد، فروشنده به همان مقدار، مدیون خریدار خواهد شد.

ب) قصاص

اگر فروشنده بداند که جنس فاسد او، خطر جانی است و در عین حال آن را به مشتری بفروشد و مشتری بر اثر خوردن یا آشامیدن آن، فوت کند، در دو صورت «قصاص» مترتب می گردد :

۱. فروشنده قصد کشتن مشتری را داشته باشد؛ اعم از این که فساد آن جنس، نوعاً کشنده باشد یا نه؛

۲. فساد جنس به گونه ای است غالباً کشنده؛ اعم از این که قصد کشتن داشته باشد، یا نه.

ص: ۴۶

ج) دیه

اگر هیچ یک از دو مورد مذکور، ثابت نباشد؛ یعنی فروشنده از فساد جنسش خبر داشته است؛ ولی نه قصد کشتن مشتری را داشته باشد و نه نوعاً آن فساد به کشتن منجر شود و در عین حال، مشتری فوت کند؛ در این صورت، «دیه» مشتری بر عهده فروشنده خواهد بود.

د) ضمان

چنانچه فروشنده می داند جنسی که در اختیار مشتری می گذارد، فاسد است و در عین حال، آن را بفروشد و بر اثر خوردن یا آشامیدن آن، مشتری مریض شود یا آسیبی به وی برسد، لازم است فروشنده هزینه درمان وی را بر عهده گیرد.

مورد مذکور، در صورتی است که فروشنده از فساد جنس خود آگاهی داشته باشد؛ اما اگر او از فساد جنس خود بی اطلاع باشد، احکام مذکور مترتب نمی گردد.

سبد کالا

گاهی اوقات «سهمیه» خاصی از جانب افراد حقوقی، مانند دولت و شرکت ها، یا افراد حقیقی، به سوپرمارکت ها داده می شود تا این اقلام بین برخی از مردم مانند فقرا یا دیگران توزیع کنند.

در این صورت لازم است به مطالبی توجه شود:

۱. توزیع بایـد بر حسب قرار داد بین شـرکت یـا دولت و سوپر مـارکت صورت گیرد و تخلف از آن جـایز نیست؛ یعنی افرادی می توانند از آن سبد کالا استفاده نمایند که در قرار داد مشخص شده است؛

۲. قیمت جنس باید بر اساس مقدار تعیین شده صورت گیرد، نه بیشتر؛

۳. چنانچه مقرر شده است که جنس به طور رایگان توزیع شود، اخذ هرگونه وجه و به هر عنوان حرام خواهد بود؛

۴. سـبد کالای معین شده قابل تغییر نیست و فروشندگان در سوپرمارکت ها نمی توانند از جانب خود، تغییراتی در آن صورت دهند؛ مگر آن که اختیاراتی در این زمینه به آنان واگذار شده باشد.

دریافت پول

هنگام دریافت پول از مشتری نکاتی قابل ذکر است:

الف) فروشـنده فقط می توانـد به مقدار قیمت توافق شده، پول از مشتری دریافت کند. بنابراین، اگر فروشـنده مشاهده کند که مشتری به اشـتباه، بیش از مقـدار معین شـده پول پرداخت کرد، موظف است هنوز که خریـدار از فروشـگاه خارج نشـده اسـت مقدار اضافه را به وی برگرداند؛ در غیر این صورت، مدیون خواهد بود.

اگر خریدار از فروشگاه خارج شد و فروشنده او را

ص: ۴۸

نمی شناسد، لازم است مقدار اضافه را کنار بگذارد تا صاحب آن یافت شود و در صورت یأس از پیدا شدن، مقدار اضافه را با اجازه مجتهـد جامع الشـرایط (حاکم شـرع) صدقه دهد؛ ولی چنانچه بعد از صدقه دادن، مشتری پیدا شود و پول خود را مطالبه کند، صدقه دهنده موظف است پول او را بپردازد.

ب) در آن چه گفته شـد، فرقی نیست بین این که دریـافت پول توسـط دست صورت گیرد یـا دسـتگاه کـارت خوان. بنابراین، چنانچه دریافت پول توسط کارت خوان انجام شود، بر فروشـنده حرام است بیش از مقـدار قیمت تعیین شده دریافت کند؛ زیرا مشاهده می شود برخی از مشتریان، سالخورده یا بی سواد هسـتند و دقت در حساب و کتاب خود ندارند. طبعاً در این صورت، وظیفه فروشنده است که دقت کند و به عمد یا به سهو، بیش از مقدار معمول از کارت خریدار کسر نکند.

جاگذاشتن جنس

گاهی مشاهـده می شود اشـیای خریـداری شده یا چیز دیگری که مال خریدار است در فروشـگاه جا می ماند؛ در این صورت، فروشـنده نمی تواند جنس جا مانده را بردارد یا با کالای دیگر مخلوط کند، بلکه موظف است آن را کنار بگذارد تا صاحبش یافت شود.

ص: ۴۹

اگر جنس جا گذاشته شده فاسد شدنی باشد و فروشنده قیمت آن را از مشتری گرفته است، می تواند آن را بردارد؛ ولی قیمت را به صاحبش مدیون است، که باید آن را به گونه ای ادا کند.

تزیین کالا

تزیین کالا دارای نکاتی است:

الف) زیبا سازی کالا، به طوری که سبب رغبت مشتریان به خرید گردد، اشکال ندارد. روایات معصومین علیهم السلام که در آن ها از زیبایی و جمال سخن گفته اند در واقع مجوز زیباسازی را صادر کرده اند. به این روایت توجه کنید:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام : «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَ يُحِبُّ أَنْ يَرَى أَثَرَ النِّعْمَهِ عَلَى عَبْدِهِ(۱)؛

خداوند زیبا است، زیبایی را دوست دارد و او می خواهد اثر نعمت را بر بنده خود ببیند».

ب) یکی از راه های رونق بازار مسلمین، توجه به دسته بندی های زیبا است که مشتری را به سمت خود جلب کند. امروزه برخی از کشور های کفر کالا را از مسلمان ها خریداری می کنند و سپس آن را در بسته بندی های

۱- کافی، ج ۶، ص ۴۳۸.

متناسب و زیبا قرار داده و به چند برابر قیمت می فروشند.

ج) «عزت مندی» برای مسلمانان موضوعیت دارد. بر این اساس، لازم می نماید از هرآنچه سبب عزیز شدن مسلمین است بهره جسته و از هر گونه «پلشتی»، به خصوص چیزهایی که موجبات تنفر مشتریان را فراهم می آورد، اجتناب شود.

ضرورت تزیین کالا یا بسته بندی آن، زمانی آشکار تر می شود که توجه کنیم رقبای اقتصادی ما، در سطح جهانی برای عرضه فرآورده های خود از اهرم «هنر» بسیار استفاده می کنند.

د) تزیین کالا نباید وسیله «فریب» مشتری گردد؛ بدین معنی که اگر جنس معیوب است هرگز نمی توان به وسیله تزیین، عیب آن را مخفی کرد.

ه-) تزیین کالا ـ به معنای ترویج فرهنگ کفر، بی بندو باری و فحشا نیست، بلکه می توان از هنر های مباح و ایرانی اسلامی بهره برد و در این مسیر از فرهنگ اصیل خودی استفاده کرد. بر این اساس، استفاده از عکس های ترویج کننده ابتذال، تهییج شهوت، مشوّق گناه هرگز مجاز نیست.

و) لازم است تزیین کالا به معنای عرضه جنس مرغوب تلقی گردد، نه ترویج فرهنگ مصرف گرایی و اشرافی گری؛

ص: ۵۱

چرا که بین این دو مقوله تفاوت وجود دارد.

بر این اساس، باید از آن چه موجب خروج از رعایت حد وسط در مصرف می شود و توازن در این زمینه را بر هم می زند، لازم است اجتناب شود.

سؤال: چرا برخی از فقها(۱)،

تزیین کالا را مکروه دانسته اند؟

پاسخ: آنان نفرموده اند تزیین کالاـ به طور مطلق مکروه است، بلکه بیان داشته اند تزیین کالاـ به قصد فریب دادن مشتری کراهت دارد. علاوه بر این که آن بزرگواران اذعان داشته اند تزیین کالا برای اهداف دیگر (غیر از فریب مشتری) مانند زیبا سازی اجناس، چنانچه رسم و متعارف باشد، اشکال ندارد(۲)

قسم خوردن

از عادات برخی از فروشندگان، «قسم» خوردن است. توجه به دو روایت، هشدار دهنده است:

۱. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام فرمودند : يَا مَعَاشِرَ السَّمَاسِرَهِ أَقِلُّوا الْأَيْمَانَ فَإِنَّهَا مَنْفَقَهٌ لِلسِّلْعَهِ

۱- مانند شهید اول (۷۳۴ — ۷۸۶) و شهید ثانی (ر، ك : الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه، ج ۳، ص ۲۸۹).

۲- «عدم تزیین المتاع لیرغب فیه الجاهل مع عدم غایه أخری للزینه، أما تزیینه لغایه أخری کما لو کانت الزینه مطلوبه عاده فلا بأس» (همان).

مَمْحَقَةٌ لِلرِّبْحِ(۱)؛ ای معامله گران! کمتر سوگنـد یاد کنیـد؛ زیرا قسم خوردن، سـبب کسادی جنس و از میان رفتن برکت سود است.

۲. موسـی بن جعفر علیه السـلام فرمودنـد : ثَلَاثَهٌ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَهِ أَحَدُهُمْ رَجُلٌ اتَّخَذَ اللَّهَ بِضَاعَهً لَا يَشْتَرِی إِلَّا بِيَمِينٍ وَ لَا يَبِيعُ إِلَّا بِيَمِينٍ(۲)؛

سه گروهند که خداوند به آنان نظر رحمت نمی کند: یکی از آن ها شخصـی است که خدا را کالا قرار داده؛ نمی خرد و نمی فروشد، مگر با قسم.

بر این اساس، قسم خوردن در هنگام معامله، مکروه است و همه فقها در حکم مزبور، اتفاق نظر دارند.

سؤال: آیا قسم کفاره دارد؟

پاسخ: قسم به غیر خداوند مطلقاً کفاره ندارد؛ اما قسم به خداوند در سه صورت نمود دارد:

الف) قَسَم برای تثبیت و تأکید مطلبی باشد که در گذشـته، حال یا آینده انجام شده یا انجام خواهد شد؛ چنانچه محتوای سخن راست یا ثواب باشد، قسم کفاره ندارد؛ اما مکروه است؛ ولی اگر محتوای قسم دروغ باشد،

۱- کافی، ج ۵، ص ۱۶۲.

۲- کافی، ج ۵، ص ۱۶۲؛ تهذیب، ج ۷، ص ۱۳ و وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۴۱۹.

قسم حرام است.

ب) قَسَـمی کـه در هنگـام تقاضـا از دیگری مطرح می شـود و بـه وسـیله آن، مطلـب در خـواست شـده مـورد تأکیـد قرار می گیرد(۱)؛

ماننـد این که «تـو را به خـدا قسم فلاـن کـار را انجـام بـده!» این قَسَم نیز الزام آور نیست (نه برای درخـواست کننـده و نه برای مخاطب) و کفاره و گناه هم ندارد.

ج) قَسَـمی که برای «بر عهده گرفتن» چیزی انجام می شود؛ مانند این که «به خدا قسم نماز می خوانم یا سیگار نمی کشم». در این صورت، قَسَم الزام آور است و عمل نکردن بر طبق آن، موجب کفاره می شود(۲).

کفاره چنین قَسَـمی عبارت است از: آزاد کردن یک برده (که در زمان ما وجود ندارد) یا پوشاندن ده فقیر یا غذا دادن به آنان و اگر از اجرای این موارد ناتوان است، واجب است سه روز روزه بگیرد.

گران فروشی

«گران فروشی» در تمام معاملات مصداق می یابد. لازم است در این مورد به چند نکته توجه شود :

۱- فقها از قسم مزبور به «قسم مناشده» تعبیر می کنند.

۲- تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۱۱: «به شـرط آن که دارای ویژگی های خود باشـد که در مباحث قسم کتاب های فقهی مطرح شده است».

الف) عمـده و اساس گران فروشـی، حرص، زیاده خواهی و دنیا طلبی است که ریشه همه گناهان می باشـد: «عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: رَأْسُ کُلِّ خَطِیئَهٍ حُبُّ الدُّنْیا(۱)؛

امام صادق علیه السلام فرمودند : ریشه همه گناهان، علاقه به دنیا است.».

ب) ائمه معصومین علیهم السلام عملاً با گران فروشی مخالفت ورزیده اند. به این ماجرا دقت کنید :

امام صادق علیه السـلام، هزار دینار داشـتند و در صدد تجارت با آن برآمدند. از این رو، شخصـی به نام «مصادف» را نزد خود فرا خوانده، پولی را به وی پرداخت کردند و

فرمودند : خود را برای سفر به «مصر» آماده کن؛ زیرا عائله من سنگین شده است.

مصادف کالایی برای فروش تهیه کرد و همراه تاجران به طرف مصر به راه افتاد. چون به مصر نزدیک شدند، با کاروانی که از مصر بیرون آمده بود، روبه رو گردیدند و از آنان درباره وضع کالایی که با خود داشتند، سؤال کردند.

کاروانیان پاسخ دادند: جنسـی که شـما به همراه دارید، در حال حاضـر مورد نیاز مردم مصـر است. از این رو، اینان با یکدیگر قرار گذاشتند که کالای خود را

۱- کافی، ج ۲، ص ۳۱۵.

با سودی کمتر از صد در صد نفروشند!

پس از فروش اجناس و دریافت پول ها، به مدینه باز گشتند. مصادف نزد امام صادق علیه السلام آمد و دو کیسه با خود همراه داشت که در هر کیسه هزار دینار بود. به امام صادق علیه السلام عرض کرد: فدایت شوم! این کیسه سرمایه است و آن دیگری سود.

امام صادق علیه السلام فرمودند: این سود فراوانی است! چگونه چنین سودی را به دست آوردی؟ مصادف جریان را شرح داد. امام صادق علیه السلام با تعجب فرمودند: سبحان اللَّه! به زیان مردمی مسلمان با یکدیگر قرار می گذارید که از هر یک دینار کالا یک دینار سود بگیرید!؟

آن گاه یکی از دو کیسه را برداشتند و فرمودند: ما را به این سود نیازی نیست. سپس فرمودند : ای مصادف! نبرد کردن با شمشیر، از طلب کردن مال حلال آسان تر است.(۱)

۱- کافی، ج ۵، ص ۱۶۱؛ تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۱۳و وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۴۲۱: «دَعَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مَوْلًى لَهُ يُقَالُ لَهُ مُصَادِفٌ فَأَعْطَاهُ أَلْفَ دِينَارٍ وَ قَالَ لَهُ تَجَهَّزْ حَتَّى تَخْرُجَ إِلَى مِصْرَ فَإِنَّ عِيَالِي قَدْ كَثُرُوا قَالَ فَتَجَهَّزَ بِمَتَاعٍ وَ خَرَجَ مَعَ التُّجَّارِ إِلَى مِصْرَ فَلَمَّا دَنَوْا مِنْ مِصْرَ اسْتَقْبَلَتْهُمْ قَافِلَةٌ خَارِجَةٌ مِنْ مِصْرَ فَسَأَلُوهُمْ عَنِ الْمَتَاعِ الَّذِي مَعَهُمْ مَا حَالُهُ فِي الْمَدِينَةِ وَ كَانَ مَتَاعَ الْعَامَّةِ فَأَخْبَرُوهُمْ أَنَّهُ لَيْسَ بِمِصْرَ مِنْهُ شَيْ ءٌ فَتَحَالَفُوا وَ تَعَاقَدُوا عَلَى أَنْ لَا يَنْقُصُوا مَتَاعَهُمْ مِنْ رِبْحِ الدِّينَارِ دِينَاراً فَلَمَّا قَبَضُوا أَمْوَالَهُمْ وَ انْصَرَفُوا إِلَى الْمَدِينَةِ فَدَخَلَ مُصَادِفٌ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع وَ مَعَهُ كِيسَانِ فِي كُلِّ وَاحِدٍ أَلْفُ دِينَارٍ فَقَالَ جُعِلْتُ فِدَاكَ هَذَا رَأْسُ الْمَالِ وَ هَذَا الْآخَرُ رِبْحٌ فَقَالَ إِنَّ هَذَا الرِّبْحَ كَثِيرٌ وَ لَكِنْ مَا صَنَعْتَهُ فِي الْمَتَاعِ فَحَدَّثَهُ كَيْفَ صَنَعُوا وَ كَيْفَ تَحَالَفُوا فَقَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ تَحْلِفُونَ عَلَى قَوْمٍ مُسْلِمِينَ أَلَّا تَبِيعُوهُمْ إِلَّا رِبْحَ الدِّينَارِ دِينَاراً ثُمَّ أَخَذَ أَحَدَ الْكِيسَيْنِ فَقَالَ هَذَا رَأْسُ مَالِي وَ لَا حَاجَةَ لَنَا فِي هَذَا الرِّبْحِ ثُمَّ قَالَ يَا مُصَادِفُ مُجَادَلَةُ السُّيُوفِ أَهْوَنُ مِنْ طَلَبِ الْحَلَالِ».

بنابراین شایسته فروشندگان به طور کلی و فروشندگان سوپرمارکت ها و خواربار فروشی ها به طور خاص؛ رعایت حد متوسط و سود عادلانه ای است که مورد رضای خدا و اولیای او است.

ج) گران فروشی، پیامد های ناگواری برای جامعه اسلامی دارد؛ امام صادق علیه السلام فرمودند: «غَلَاءُ السِّعْرِ یُسِیءُ الْخُلُقَ وَ یُذْهِبُ الْأَمَانَهَ وَ یُضْجِرُ الْمَرْءَ الْمُسْلِمَ(۱)؛

گران شدن اجناس، سبب بد اخلاقی، از بین رفتن امانت داری و از پا درآمدن جامعه اسلامی می گردد».

احتکار

«احتکار» از مسائل تأسف بر انگیز در مقوله تجارت است. در حقیقت این ناهنجاری معلول دنیا پرستی و

۱- کافی، ج ۵، ص ۱۶۴

عشق بی اندازه به ثروت است. نکاتی در این مسئله قابل طرح می باشد:

الف) محتکر از رحمت خدا به دور است. رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند : الْجَالِبُ مَرْزُوقٌ وَ الْمُحْتَكِرُ مَلْعُونٌ(1)؛

کسی که اجناس را به بازار می آورد [و برای فروش عرضه می نماید] رحمت خدا را جلب می کند و شخصی که احتکار می کند، از رحمت خدا دور است.

ب) چنانچه حاکم شرع متوجه شود جنس مورد نیاز مردم احتکار شده است، می تواند محتکر را به فروش اجناس مجبور کند و در این مورد، عنصر «رضایت» که در همه معاملات شرط اساسی است؛ ساقط می گردد.

ج) اگر محتکر حتی با اجبار حاکم شرع به فروش اجناس احتکار شده رضایت نداد، حاکم شرع خود مبادرت به فروش اجناس وی مبادرت می کند و پول به دست آمده از فروش اجناس را به محتکر می پردازد.

البته اقدام مستقیم حاکم شرع در مورد فروش اموال احتکار شده، منوط به دو شرط است: یکی این که جنس احتکار شده، مورد نیاز ضروری مردم باشد و دیگری این که آن جنس در اختیار یک یا چند نفر خاص باشد.

۱- همان ص ۱۶۵ و تهذیب، ج ۳، ص ۳۶۶.

فصل سوم: مشتری

اشاره

«مشتری» دارای احکام خاصـی است و نکات ویژه ای در اسلام، در مورد مشتری مطرح شده است ذیلاً مطالبی را در این زمینه مطرح می کنیم:

نسیه

اشاره

یکی از نکات رایـج در معاملات و به خصوص سوپرمارکت ها و بقالی ها، خریـد کردن به صورت «نسـیه» است. در این زمینه مطالبی شایان ذکر می باشد:

الف) امتناع فروشنده از نسیه

فروشنده حق دارد از قبول نسیه خودداری و وجه جنس

خود را نقداً از مشتری مطالبه کند؛ زیرا پایه معاملات بر مبنای توافق طرفین است و تا فروشـنده و مشتری رضایت کامل نداشـته باشند، نقل و انتقال حاصل نخواهد شد.

قرآن مجید می فرماید : یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لا تَأْکُلُوا أَمْوالَکُمْ بَیْنَکُمْ بِالْباطِلِ إِلاَّ أَنْ تَکُونَ تِجارَهً عَنْ تَراضٍ مِنْکُمْ.(۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید! اموال یکدیگر را بیهوده نخورید، مگر این که تجارتی همراه با رضایت انجام گیرد.

ب) گران بودن نسیه

فروشـنده می توانـد جنس نسـیه را گران و نقـد را ارزان بفروشـد؛ علت مطلب آن است که فقها می فرماینـد: «لِلأَجَلِ قِسطٌ مِنَ الثَّمَنِ؛ زمان در مقام معامله ارزش دارد».

بر این اساس، فروشـنده می تواند جنس نسیه ای یا اقساطی را گران تر بفروشد؛ ولی تذکر مهم این است که فروشنده و مشتری نمی توانند معامله را مبهم گذارند، بلکه باید نحوه پرداخت را مشخص کنند (نقدی، نسیه یا

۱- وَ لا تَقْتُلُوا أَنْفُسَکُمْ إِنَّ اللَّهَ کانَ بِکُمْ رَحیماً (نساء: ۲۹).

اقساط(۱).

ج) یاد داشت

کسانی که جنس را به صورت نسیه می برند لازم است بدهی خود به فروشنده را یادداشت کنند تا مدیون فروشنده نشوند.

این وظیفه تنها به خریداران نسیه بر مربوط نمی شود، بلکه همه اشخاصی که دین و قرض یا حق الناس بر عهده

۱- استفتائات جدید آیت الله مکارم، ج ۲، ص ۲۶۲: «استفتا از آیت الله مکارم : فروشنده ای هستم که کالایم را به صورت متر مربّع می فروشم. چنان که خریداری قادر به پرداخت کل، یا قسمتی از ثمن نباشد، ناچار باید مبلغی گران تر بفروشم. بدین جهت به خریدار می گویم: در صورت نسیه، متر مربّعی فلان ریال در روز باید گران تر خریداری نمایی و اگر قبل از سررسید، نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام کنی؛ مبلغی که گران خریده ای به همان صورت در مدّت باقیمانده محاسبه و بر گشت داده خواهد شد. چنانچه تأخیری در بدهی روی دهد، هیچ گونه وجهی بابت دیرکرد دریافت نمی شود، از آن جا که برخی از مشتری ها در این گونه خرید، احتیاط می نمایند. نظر مبارک خود را مرقوم فرمایید؟». جواب: اگر این معامله به صورت مبهم و بدون تعیین قیمت و زمان پرداخت صورت بگیرد، باطل است. تنها راه صحّت آن، این است که تاریخ و زمان پرداخت، به هر مبلغ که می خواهند، برای معامله تعیین کنند و قرارداد طبق آن صورت گیرد. سپس بگویند اگر زودتر از آن، مبلغ را پرداختی فلان مقدار تخفیف می دهیم، در این صورت معامله صحیح است؛ ولی اگر مبهم بگذارند معامله صحیح نیست.

آنان می باشد، لازم است از ثبت و ضبط بدهی خود غفلت نکنند؛ زیرا چه بسا در گذر زمان بدهی خود را فراموش کنند و یا حتی مسئله مرگ و میر پیش می آید که در این صورت مدیون فروشنده شده اند.

د) تعیین تاریخ پرداخت

اشاره

در معاملهٔ نسیه باید تاریخ پرداخت کاملًا معلوم باشد، در غیر این صورت، معامله باطل است.(۱)

چند سؤال و پاسخ

وقتی شخصی کالا را نسیه می برد، مدیون محسوب می شود، در صورت فوت وی جای چند سؤال وجود دارد:

سؤال: بدهی او از اصل مال برداشته می شود یا از ثلث؟

پاسخ: از اصل مال برداشته می شود.

سؤال: آیا برای پرداخت بدهی، اجازه ورثه لازم است، یا نه؟

پاسخ: خیر، براین اساس، چنانچه پول یا مالی از بدهکار نزد طلبکار باقی مانده، می تواند به مقدار طلب خود از آن مال برداشت کند.

سؤال: پرداخت طلب طلبکاران بعد از تقسیم ارث

۱- توضیح المسائل محشی، ج ۲، ص ۲۳۰.

انجام می شود یا قبل از آن؟

پاسخ: بر ورثه لازم است قبل از تقسیم ارث، دیون میت را از مال میت محاسبه نموده پرداخت کنند. قرآن مجید می فرماید: مِنْ بَعْدِ وَصِیَّهٍ یُوصی بِها أَوْ دَیْنٍ؛(۱) ارث باید پس از پرداخت دیون و وصیت میت باشد.

سؤال: وصیت کردن شخص برای ادای دین لازم است یا نه؟

پاسخ: بله؛ زیرا ترک وصیت، ممکن است به از بین رفتن حق طلبکاران منجر شود.

سؤال: اگر دین میت مدت دارد آیا ورثه می توانند پرداخت دیون را تا آن مدت تأخیر بیندازند؟

پاسخ: خیر؛ زیرا با مردن مدیون، مدت دین از بین می رود و بر ورثه لازم است در اولین فرصت و قبل از تقسیم ارث، دیون او را بپردازند، اعم از این که دین وی به اشخاص حقوقی باشد، مانند بانک یا به اشخاص حقیقی.

دریافت اضافه

چنانچه خریدار متوجه شود که فروشنده کمتر از مقدار توافق شده پول دریافت کرد، لازم است او را به اشتباهش

۱- نساء: ۱۱.

آگاه کند و مقدار باقی مانده را به وی برگرداند. همچنین است اگر خریدار متوجه شود که فروشنده کالای بیشتر از مقدار توافق شده به او پرداخت کرد.

شک در حلال بودن کالا

اشاره

یکی از مطالبی که ممکن است به ذهن بسیاری از مشتریان برسد، این است که چنانچه مشتری، در حلال و حرام بودن کالای فروشنده تردید داشته باشد، تکلیف او چیست؟ آیا می تواند از آن مغازه و فروشگاه خرید کند؟

پاسخ این است که مشتری در صورت شک، می تواند از او خرید نماید و بنا را بر حِلّیّت بگذارد.

در این مسئله بین این اقسام شک تفاوتی وجود ندارد:

آیا گوشتی که در فروشگاه است از حیوان حلال گوشت می باشد یا حرام گوشت؟

آیا حیوان حلال گوشت را طبق دستور شرع، ذبح کرده اند یا نه؟

آیا در خوراکی، از اجزای حلال حیوان استفاده شده یا از اجزای حرامش؟

آیا خوراکی و نوشیدنی نجس است یا پاک؟

آیا مواد موجود در فروشگاه، داخلی است یا خارجی؟

آیا مواد موجود در سوپر مارکت مال مردم است یا از خود

فروشنده می باشد؟

آیا از شریک خود اجازه فروش دارد یا نه؟

در تمام موارد مذکور در صورت شک، بنا بر حلال و پاک بودن غذا گذاشته شده و خرید اغذیه از فروشگاه یا مغازه مورد نظر جایز است.

تذکر: آن چه گفته شد، در صورتی است که فروشنده مسلمان باشد و علت آن نیز این است که مسلمان ها باید به یکدیگر خوش گمان بوده، در موارد شک در عمل یکدیگر، آن را حمل به صحت کنند.

بنابراین، در فروشگاه های کفار و فروشگاه های زنجیره آنان در داخل بلاد اسلامی، این احکام جریان ندارد.

امام صادق علیه السلام در پاسخ به شخصی به نام قُتاده که سؤال کرده بود آیا می توان از بازار مسلمان ها پنیر(۱) خریداری کرده یا نه؛ فرمودند:

فَاشْتَرِ الْجُبُنَّ مِنْ أَسْوَاقِ الْمُسْلِمِینَ مِنْ أَیْدِی الْمُصَلِّینَ وَ لَا تَسْأَلْ عَنْهُ إِلَّا أَنْ یَأْتِیَکَ مَنْ یُخْبِرُکَ عَنْهُ(۲)؛

از بازار مسلمان ها همان ها که اهل نماز هستند؛ پنیر

۱- با توجه به این که در آن زمان، پنیر مایه را از ماده ای که از معده گوساله و بزغاله به دست می آمد می گرفتند و در برخی موارداز حیوان مرده هم استفاده می کردند.

۲- کافی، ج ۶، ص ۲۵۶.

خریداری کن و از حلال و حرام بودن آن مپرس؛ مگر این که در این مورد و بر ضد آن، خبر معتبری آورده شود.

در حدیث دیگری امام صادق علیه السلام فرمودند :

«لَوْ لَمْ یَجُزْ هَذَا لَمْ یَقُمْ لِلْمُسْلِمِینَ سُوقٌ(۱).

اگر حمل بر صحت جاری نشود بازاری برای مسلمین بر پا نخواهد شد».

دو نکته

اول: بـدیهی است آن چه گفته شـد در صورت بروز شک و تردید مصداق می یابد؛ ولی اگر مشتری به هر دلیل یقین کند که خوراکی یا نوشیدنی فروشنده حرام است، در این صورت نمی تواند از او خریداری کند.

دوم: در لزوم توجیه کردن کار مسلمان به صـحت و نیز حجیت بازار مسـلمان ها، فرقی نیست که فروشـنده پیرو کـدام یک از مذاهب اسلامی(۲)

باشد.

شک در دین

اشاره

مطلب دیگری که گاهی مشغله ذهنی می شود، این

۱- همان، ج ۷، ص ۳۸۷.

۲- یعنی بین شیعه، شافعی، حنفی، حنبلی، مالکی، زیدی و... فرقی وجود ندارد.

است که در شهرهای بزرگ، غالباً فروشنده و مشتری یکدیگر را نمی شناسند و لذا ممکن است مشتری در مسلمان بودن فروشنده شک کند. زیرا یکی از نجس ها، شخص کافر است. سؤال این است که در این فرض آیا تفحص از دین فروشنده لازم است یا خیر؟

پاسخ به این مورد، دارای دو صورت است:

الف) مملکت اسلامی: مقصود از مملکت اسلامی این است که اشخاصی (نه حاکمان و دولت) که در آن کشور زندگی می کنند، مسلمان هستند(۱).

در این صورت، بنا بر مسلمان بودن فروشنده گذاشته می شود و تفحص و جست وجو لازم نیست.

استفتا

به این استفتا که از امام خمینی صورت گرفته است، توجه کنید: شخصی که دین او مشخص نیست و از کشور دیگری برای کار وارد کشور اسلامی شده و مغازه اغذیه فروشی دایر کرده و کار او فروش مواد خوراکی است، هنگام فروش، ماده غذایی با بدن او که رطوبت مسریه(۲)دارد، تماس پیدا می کند، آیا باید از او درباره دینش سؤال کرد یا این که اصل پاک بودن اشیا جاری می شود؟

۱- اعم از این که مذهب شیعه داشته باشند یا غیر آن.

۲- سرایت کننده.

جواب: سؤال از دین او واجب نیست و اصلِ طهارتِ اشیا نسبت به وی و چیزی که با وجود رطوبت با بدن او در تماس است، جاری می شود(۱).

ب) مملکت کفر: در این صورت تفحص از دین فروشنده لازم است، مگر این که انسان یقین کند که در خوراکی، اجزای حیوانات وجود ندارد و نیز احتمال دهد دست فروشنده به

غذا برخورد(۲)

نکرده است. با این دو شرط، گرچه به کفر فروشنده یقین داشته باشد، خریداری از او اشکال ندارد(۳).

وارد کردن خسارت

اشاره

اگر مشتری بر فروشگاه و مغازه یا یکی از ابزار و وسایل آن، خسارت و ضرری وارد کند، مدیون است و موظف است خسارت را جبران کند و همچنین است اگر یکی از کالاهای فروشگاه را سرقت کند.

چند نکته

۱. در حکم مزبور (لزوم جبران خسارت)، تفاوتی نیست بین این که تلف کننده کودک باشد، یا بالغ.

۱- توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۱۴۴.
۲- مقصود، برخورد سرایت کننده است، مثل این که دست یا غذا خیس باشد.
۳- یکی از موارد جواز فسخ معامله، «خیار ما یفسد لیومه» است.

۲. در حکم ذکر شده تفاوتی نیست بین عمد و سهو. مثلاً ـ اگر ظرف از دست مشتری بیفتد و بشکند باید خسارت را به فروشنده بپردازد.

۳. چنانچه صاحب جنس تلف شده، تلف کننده را ببخشد، چیزی بر عهده تلف کننده نیست.

سؤال: راه جبران خسارت چیست؟

پاسخ: تلف شدن جنس، دارای چند صورت می باشد که حکم هر یک با دیگری تفاوت دارد :

صورت اول این است که خود آن جنس بدون نقص وجود دارد (مثل این که کسی جنس را سرقت کرده و الآن نیز آن را در اختیار دارد) در این مورد باید همان جنس را به صاحبش برگرداند.

صورت دوم این است که بر جنس، خسارتی وارد شده و معیوب گردیده، بدین معنی که قابل اصلاح است. در این مورد لازم است کسی که خسارت را وارد کرده است، هزینه اصلاح آن را بپردازد.

صورت سوم این است که جنس، به طور کُلّی تلف شده یا در حکم تلف شده تلقی می شود. در این مورد، چنانچه مثل آن در بازار یافت می شود، باید مثل آن پرداخت گردد و اگر مثل آن یافت نمی شود، قیمت جنس را بپردازد(۱).

۱- این ترتیب بندی از امور مورد اتفاق همه فقها به شمار می رود.

فصل چهارم: مقدار کالا

اشاره

یکی از بایسته های عمده در باب داد و ستد شفّاف سازی در مقدار است که این نکته حاوی مطالب متعددی می باشد و می طلبد هر کدام به طور جداگانه بررسی شود:

ریسک در مقدار

لزوم شفافیت مقدار کالا در معاملات، مورد اتفاق همه فقها است و کسی در آن تردید نکرده است.

روایات نقل شده از امامان معصوم علیهم السلام بر این نکته دلالت می کنند: «نَهَی النَبِیُّ عَنْ بَیْعِ الْغَرَرِ»؛ «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم، از ریسک

ص: ۷۱

کردن در معاملات نهی فرموده اند».

بر اساس این روایات، همه فقهای شیعه، بر این باورند که باید مقدار کالا و بهای آن، مشخص باشد.

اقسام تعیین

بدیهی است تعیین مقدار کالاها بر حسب انواعشان مختلف است و می توان آن ها را چند قسم دانست:

کالاهایی که با شمارش میزان آن مشخص می شود؛ مانند بسته های حبوبات که امروزه در سوپرمارکت ها وجود دارد؛

کالاهای وزنی؛ مانند حبوبات فله ای که در بقالی های سُنّتی وجود دارد؛

کالاهای متری؛ مانند پارچه ها و فرش ها؛

کالاهای مشاهده ای؛ مانند زمین، وسیله نقلیه و حیوانات که با بررسی ویژگی آن ها قیمت آن ها تعیین می شود.

بر این اساس، لازم است در مورد کمیت و کیفیت اجناس به تناسب همان جنس شفاف سازی لازم صورت پذیرد.

نقش زمان و مکان

در زمینه تعیین مقدار، نمی توان نقش «زمان و مکان» را

ص: ۷۲

نادیده انگاشت؛ بدین معنی که ممکن است جنسی در زمان یا مکانی وزنی باشد و در زمان یا مکان دیگر پیمانه ای یا عددی؛ همان طور که عکس قضیه یا صورت های دیگر آن ممکن است.

بر این مبنا شفافیت، در مقدار، بر حسب زمان یا مکانی که معامله در آن صورت می گیرد، لازم است؛ مثلاً ممکن است تخم مرغ را در زمان یا مکانی عددی و در زمان یا مکان دیگر، کیلویی یا در ضمن بسته بندی های خاص معامله کنند و طبعاً لازم است مطابق همان زمان یا مکان مبادلات صورت گیرد تا هیچ گونه ابهامی وجود نداشته باشد.

ترازو

اشاره

«ترازو» یکی از ابزار اندازه گیری کالا ـ در بیشتر مراکز فروش و از جمله سوپرمارکت ها و بقالی ها، است. در این زمینه لازم است به نکاتی توجه شود:

الف) انواع ترازو

در استفاده از انواع ترازوها تفاوتی نیست. آن چه مهم است، هم سویی با عرف همان زمان و مکانی است که معامله در آن انجام می گیرد. مثلاً هر کیلو باید مساوی هزار گرم باشد.

بر این اساس، آن چه امروزه شاهد آن هستیم که در بسیاری از فروشگاه ها، ترازوهای «قدیمی» جای خود را به ترازوهای «دیجیتال» داده است، اشکالی ندارد؛ بلکه می توان ترازوهای دیجیتال را بهتر دانست؛ چرا که از دقت بالایی برخوردار می باشد و می تواند هر واحد «گِرَم» را دقیقاً شمارش کند.

ب) سلامت ترازو

«سلامت ترازو» یکی از اساسی ترین شرایط صحت خرید و فروش است؛ چرا که تعیین مقدار کالا و نیز داد و ستد بر اساس آن، شکل می گیرد. بنابراین، بر فروشنده لازم است از سلامت ترازوی خود اطمینان داشته باشد تا معاملاتش صحیح بوده، مدیون مردم نگردد و خود نیز متضرر نشود.

ج) برهم زدن نظم ترازو

بی تردید جایز نیست فروشنده، ترازو را «دست کاری» کند و نظم آن را از حالت طبیعی خود برهم زند؛ چرا که این کار یکی از مصادیق کم فروشی محسوب گردیده و فروشنده را مشمول آیه شریفه «وَیْلٌ لِلْمُطَفِّفینَ» (وای بر کم فروشان)؛ قرار می دهد. علاوه بر این که این امر، خیانتی آشکار به مشتریان محسوب می گردد.

ابزار متعارف

آن چه در باب تعیین مقدار اهمیت دارد، «متعارف» بودن است. بر این اساس، نمی توان مثلاً ـ ظرفی را که نزد مردم شناخته شده نیست پُر از برنج کرد و فروخت؛ بلکه باید آن ظرف نزد عموم مردم دارای استاندارد خاص و شناخته شده باشد.

همچنین نمی توان سنگی را که مقدار آن نزد عرف شناخته شده نیست، در ترازو گذاشت و به همان میزان، جنس وزنی را فروخت، بلکه لازم است آن سنگ، شناخته شده در عرف بازار باشد، مانند سنگ های امروزه که هر کیلوی آن هزار گرم است.

امام خمینی می نویسند: از شرایط صحت بیع این است که مقدار کالا و قیمت به وسیله پیمانه، وزن یا شمارش مشخص گردد. بر این اساس، مشاهده کالا و نیز اندازه گیری آن به غیر از آن چه در میان مردم متعارف است، کفایت نمی کند و نیز مشخص کردن مقدار چیز های وزن کردنی با پیمانه یا شمارش، کفایت نمی کند(۱).

ص: ۷۵

۱- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۵۱۵ : «الثانی، تعیین مقدار ما کان مقدرا بالکیل أو الوزن أو العدّ بأحدها فی العوضین، فلا تکفی المشاهده، و لا تقدیره بغیر ما یکون به تقدیره، فلا یکفی تقدیر الموزون بالکیل أو العدّ ...».

آیت الله خوئی نیز می فرمایند: لازم است در خرید و فروش، مقدار هر یک از دو طرف (کالا و بهای آن) به آن چه نزد مردم شناخته شده است، مشخص گردد؛ مانند کیل، وزن، شمارش و مساحت(۱).

غیر متخصص

کسی که با وزن و پیمانه کردن کالاـ آشنایی ندارد، نباید به این کار اقدام کند؛ چرا که در این صورت، حق هر یک از فروشنده و مشتری در معرض ضایع شدن قرار خواهد گرفت(۲).

فروشنده و وزن بیشتر

مستحب است چنانچه ترازو در اختیار فروشنده قرار دارد، مقداری بیشتر از حد معین شده در ترازو قرار دهد؛

ص: ۷۶

۱- منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۲۳ : «لا بدّ أن یکون مقدار کل من العوضین المتعارف تقدیره به عند البیع، من کیل أو وزن، أو عد، أو مساحه معلوما... ».

۲- البته برخی از فقهای قدیم، همچون شهید اول و ثانی در این مورد به وجوب تعبیر نکرده، بلکه توانایی بر وزن و پیمانه کردن را مستحب دانسته اند؛ ولی از آن جا که خود این بزرگواران، تعیین مقدار کالاـ را شرط صحیح بودن معاملات می دانند، شاید بتوان سخن آنان را بر موردی حمل کرد که مقدار مشخص شده محفوظ بماند.

نه آن که دقت بسیار کند. مثلًا اگر مشتری قصد خرید یک کیلو لوبیا دارد، فروشنده چند گرم اضافه تر بکشد.

خریدار و وزن کمتر

مستحب است چنانچه ترازو در اختیار مشتری قرار دارد، مقداری کمتر از حد معین شده در ترازو قرار دهد؛ نه آن که دقت بسیار کند.

تذکر لازم این که تفاوت باید در حد چند گرم باشد، نه بسیار زیاد که به جهالت در مقدار جنس فروخته شده منجر گردد.

بسته بندی

از جمله نکاتی که در سوپرمارکت ها رایج بوده و آن ها را از بقّالی های سُنّتی جدا می سازد، وجود «کالا های بسته بندی» است. در این زمینه مطالبی قابل یاد آوری می باشد :

الف) بسته بندی های شیک و زیبا نه تنها اشکال ندارد، بلکه اصولاً هرچیزی که سبب رونق بازار مسلمین گردد، بلامانع، بلکه مناسب خواهد بود؛

ب) لازم است بسته بندی ها دارای مقدار مشخص باشد و مقدار آن بر روی بسته بندی نوشته شده باشد تا مشتری با آگاهی کامل خرید کند؛

ج) استفاده از مواد باز یافتی در بسته بندی ها، چنان چه برای سلامتی مشتریان مضر باشد جایز نیست؛

د) مخلوط کردن جنس بد و خوب در بسته بندی ها، مصداق خیانت و غش در معامله است. بر این اساس، نمی توان به نام بسته بندی، اجناس نا مرغوب یا تاریخ مصرف گذشته را به خورد مصرف کنندگان داد؛

ه-) بسته بندی های شیک را نمی توان وسیله فروش اجناس نامرغوب یا گران فروشی قرار داد.

ص: ۷۸

فصل پنجم: معیوب بودن کالا

اشاره

یکی از مباحث مطرح در داد و ستد، «معیوب بودن کالا» است که در ادامه نکاتی را در این زمینه مطرح می کنیم:

تعریف عیب

معصومین علیهم السلام به تعریف عیب کالا نپرداخته؛ فقها نیز به پیروی از آنان وارد این حوزه نشده اند؛ زیرا حد و مرز این گونه امور، از «عُرفیات» محسوب می شود.

به تعبیر دیگر: کار دین (در بیشتر موارد) بیان احکام است و تشخیص موضوع با خود مردم خواهد بود.

مثلاً فقها بیان می کنند که خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد، نجس است. اما تشخیص این که چه

حیواناتی دارای این ویژگی هستند، با مکلفین و اشخاص است.

مقوله «عیب کالا» نیز همین می باشد. آنچه فقها بیان می دارند این است که عیب کالا، دارای احکامی است؛ اما تشخیص این که عیب چیست، با عرف، مکلفین و مردم است.

کیفیت تشخیص

اشاره

تشخیص «معیوب» بودن کالا توسط مردم، دوگونه صورت می گیرد:

۱. عُرف عام

در بسیاری از موارد، تشخیص عیب به کارشناسی نیاز نداشته و امر آسانی است. در این گونه موارد، عرف و مردم به راحتی، کالای معیوب را از کالای سالم تمیز می دهند. بیشتر اجناس سوپرمارکت ها و خوار بار فروشی ها از این دسته است، مانند :

* تخم مرغ فاسد؛

* حبوبات آفت زده؛

* شیر فاسد شده؛

* اجناس کپک زده؛ مانند نان، رُب و پنیر؛

* مرغ و ماهی ای که رنگ آن تغییر یافته یا دارای بوی

نامطبوع است؛

* وجود اشیا یا حشرات در بسته بندی ها؛

* کالای با تاریخ مصرف گذشته؛

۲- عرف خاص

در برخی موارد، تشخیص عیب به راحتی امکان پذیر نمی باشد و تخصص و کارشناسی می طلبد. عهده دار این

مورد، دستگاه های ذی ربط و در زمینه اجناس سوپرمارکت ها، اداره بهداشت می باشد.

نقش زمان و مکان

نمی توان نقش زمان و مکان را در تشخیص عیب نادیده انگاشت؛ بدین معنی که ممکن است چیزی در زمان یا مکانی عیب محسوب شود؛ در حالی که در زمان یا مکان دیگر عیب به شمار نرود.

بر این اساس، آن چه معیار است، عُرف زمان و مکان معامله می باشد که چه چیزهایی را عیب می شمارند و چه چیزهایی را عیب محسوب نمی کنند.

امتحان

ناپسند نیست که مشتری قبل از خریدن خوراکی یا نوشیدنی، آن را امتحان و مقداری از آن تناول کند؛ مشروط به این که به جنس یا بسته بندی آسیبی وارد نشود.

ص: ۸۱

در این زمینه بیان به چند مطلب لازم است:

الف) رعایت مسائل بهـداشتی با امتحان کردن جنس منافاتی نـدارد؛ مثلاً مشاهـده می شود در برخی از فروشـگاه ها برای ارائه نمونه عسل، توسط قاشق یک بار مصرف، مشتری را به بررسی کیفیت جنس خود تشویق می کنند.

ب) یکی از فواید عمده امتحان کردن جنس، جلوگیری از غرر، جهالت و ریسک است.

در حقیقت با ارائه نمونه به مشتری و امتحان کردن جنس از جانب وی، شـفاف سازی کامل در مورد مزه خوراکی یا نوشیدنی صورت می پذیرد.

ج) دیگر از فوایـد امتحان کردن جنس، آن است که فروشـنده اتمام حجت می کند تا بعداً به پس آوردن یا ادعای دیگر منجر نشود.

د) بـدیهی است امتحـان کردن خوردنی و نوشـیدنی در مورد همه اجنـاس موجود در سوپرمارکت ها امکان نداشـته و فقط در برخی از آن ها این امر میسّر می باشد.

اصل سلامت

دیـدگاه همه فقهـا آن است که می تـوان اجنـاس خوردنی و آشامیـدنی را امتحـان نکرد و بر مبنـای «اصـل سـلامت» آن هـا را خریداری کرد؛ ولی چنانچه بعداً معلوم شود جنس معیوب بوده است، احکام عیب مترتب می گردد (در مورد احکام

عیب مطالبی خواهد آمد).

کراهت کتمان

این نکته مورد اتفاق و اجماع فقها است که اگر در جنس مورد معامله، عیبی وجود دارد، کتمان آن کراهت دارد؛ بلکه مستحب است فروشنده عیب آن را به مشتری اطلاع و وی را در جریان قرار دهد.

بر این اساس، این ضرب المثل که «هیچ بقّالی نمی گوید ماست من تُرش است»؛ در مورد فروشنده دین مدار، صادق نیست.

امام صادق علیه السلام از قول پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، چنین نقل می کنند: کسی که می فروشد، از پنج نکته بپرهیزد. در غیر این صورت، خرید و فروش را رها کند: ربا، قسم خوردن، کتمان عیب، مدح و تعریف از کالایی که قصد فروش آن را دارد و مذمت کردن از کالایی که قصد خرید آن را دارد(۱).

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۸۳: «عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ مَنْ بَاعَ وَ اشْتَرَی فَلْیَحْفَظْ خَمْسَ خِصَالٍ وَ إِلَّا فَلَا یَشْتَرِیَنَّ وَ لَا یَبِیعَنَّ الرِّبَا وَ الْحَلْفَ وَ کِتْمَانَ الْعَیْبِ وَ الْحَمْدَ إِذَا بَاعَ وَ الذَّمَّ إِذَا اشْتَرَی».

حد کراهت

تذکر این نکته لازم است که کتمان عیب تا وقتی که «تدلیس» محسوب نشود، مکروه است و در غیر این صورت، کتمان عیب حرام خواهد بود.

همه فقها بر این باورند که «یکره کتمان العیب إذا لم یؤد إلی غشّ و إلا حرم»؛ کتمان عیب تا وقتی کراهت دارد که به «غشّ» در معامله منجر نگردد و اما اگر غشّ در معامله محسوب شود، حرام خواهد بود.(۱)

اطلاع از عیب

پس از آن که مشتری از معیوب بودن کالا مطلع شد، بین سه گزینه مخیر است:

الف) به همان جنس معیوب راضی شود؛

ب) معامله را فسخ کند؛ جنس معیوب را به فروشنده برگرداند و تمام پول خود را دریافت کند؛

ج) تفاوت قیمت جنس سالم و معیوب را مطالبه کند.

موارد عدم تخییر

در چهار صورت اگر خریدار متوجه شود که جنس

۱- منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۱۸.

خریداری شده دارای عیبی است، نه می تواند معامله را به هم بزند و نه می تواند تفاوت قیمت بگیرد؛ بلکه باید به همان جنس راضی باشد:

۱. مشتری در موقع خریدن، عیب مال را بداند؛

۲. مشتری پس از اطلاع از معیوب بودن جنس، به عیب مال راضی شود؛

۳. مشتری در وقت معامله بگوید: اگر مال عیبی داشته باشد، پس نمی دهم و تفاوت قیمت هم نمی گیرم؛

۴. فروشنده در وقت معامله بگوید: این مال را با هر عیبی که دارد، می فروشم.

تذکر این نکته لازم است که اگر عیبی را معین کند و بگوید مال را با این عیب می فروشم و معلوم شود کالا عیب دیگری هم دارد؛ خریدار می تواند به دلیل عیبی که فروشنده معین نکرده، مال را پس دهد یا تفاوت قیمت بگیرد(۱).

موارد تفاوت قیمت

در سه صورت اگر خریدار بفهمد مال، عیبی دارد، نمی تواند معامله را به هم بزند؛ ولی می تواند تفاوت قیمت بگیرد :

اوّل: مشتری بعد از معامله در مال تغییری دهد؛ به

۱- توضیح المسائل محشی ، ج ۲، ص ۲۴۶.

طوری که عرفا گفته شود مال به حالت اولی خود باقی نمانده است.

دوم: مشتری بعد از معامله بفهمد مال، عیب دارد و فقط حقّ برگرداندن آن را ساقط کرده باشد.

سوم: بعد از تحویل گرفتن مال، عیب دیگری در آن پیدا شود.(۱)

تاریخ مصرف

یکی از مصادیق عیب، «انقضای تاریخ مصرف» است. در زمان ما مقوله تاریخ مصرف کالا به صورت نوعی ضرورت در آمده است. این نکته در مورد اجناس سوپرمارکت ها و بقالی ها از اهمیت بیشتری برخوردار است زیرا بیشتر اجناس این فروشگاه ها را «خوراکی» تشکیل می دهند که با سلامت مردم در ارتباط مستقیم است.

بر این اساس، رعایت نکردن تاریخ مصرف، فروش جنس تاریخ گذشته و دست کاری بر چسب تاریخ مصرف؛ ضایع کردن حق الناس محسوب می گردد.

ص: ۸۶

۱- ولی اگر حیوان معیوبی را بخرد و پیش از گذشتن سه روز عیب دیگری پیدا کند، اگر چه آن را تحویل گرفته باشد، باز هم می تواند آن را پس دهد و نیز اگر فقط خریدار تا مدّتی حقّ به هم زدن معامله را داشته باشد و در آن مدّت، مال عیب دیگری پیدا کند، اگر چه آن را تحویل گرفته باشد، می تواند معامله را به هم بزند(توضیح المسائل محشی، ج ۲، ص ۲۴۶).

فصل ششم: مایعات

اشاره

از اجناس قابل توجه موجود در سوپرمارکت ها، مایعات (آب میوه، شیر، عرقیجات و...) می باشد. بر این اساس، بحثی مستقل در این زمینه لازم خواهد بود.

شیر

شیر حیوانات، دارای احکامی است:

۱. شیر هر حیوان تابع همان حیوان است؛ مثلاً شیر حیوان حلال گوشت، مانند گوسفند وگاو، حلال است و شیر حیوان حرام گوشت، مانند سگ و خوک، به تبع آن ها نجس است.

نیز اگر حیوان حلال گوشتی حرام شود (مثل این که انسانی با آن نزدیکی کند) شیر آن حیوان به تبع گوشتش

حرام می گردد.(۱)

۲. اگر شیر نجس شود، پاک نمی شود؛ حتی اگر آن را به صورت پنیر در آورند و در آب بگذارند.(۲)

۳. آب ریختن در شیر، مصداق خیانت وغش در معامله وحرام است(۳).

۴. مبادله شیر به شیر اگر یک طرف کمتر باشد حرام و باطل است؛ مثل مبادله ده کیلو شیر به هشت کیلو؛ یا مثلاً معامله ده کیلو شیر با پنج کیلو پنیر یا کره، حرام و باطل است؛ زیرا مشتقات شیر در حکم شیر هستند و نباید هنگام معاوضه یک طرف کمتر و یک طرف بیشتر باشد. پس در این گونه موارد، باید دو معاوضه مستقل صورت گیرد.(۴)

۵. اگر در شهری یکی از غذاهای مردم شیر به حساب آید، انسان می تواند در عید فطر سه کیلو شیر به ازای هر نفر از اعضای خانواده به عنوان زکات فطره به فقیر بپردازد.(۵)

۶. شیر و مشتقات آن، اگر از خارج کشور حتی کشور های کفر وارد شود، حلال است؛ مگر به نجاست یا حرمت آن

۱- نجاه العبا د، ص ۲۲۷.

۲- توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۷۴.

۳- نجاه العبا د، ص۲۲۴.

۴- . قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام ، ج۲، ص۵۹.

۵- زیرا معیا ر، قوت غا لب بودن است.

یقین پیدا کنیم.(۱)

روغن

در مورد روغن ها، چند نکته قابل تذکر است:

۱. چنـانچه روغن سـفت باشـد و چیز نجسـی در آن بیفتـد، همه روغن متنجس نمی شود، بلکه همـان چیز نجس و مقـداری از روغن های اطراف آن برداشـته می شود و بقیه پاک است. اما اگر روغن، مایع باشد و چیز نجسی در آن بیفتد، تمام آن روغن متنجس می شود و قابل تطهیر نیست.

۲. روغنی که از بـدن حیوان گرفته شـده تابع همان حیوان می باشد. پس روغن بدن حیوان حلال گوشت، حلال و روغن بدن حیوان حرام گوشت، حرام است.

۳. مخلوط کردن روغن مرغوب و نا مرغوب و فروختن آن به عنوان جنس مرغوب، مصداق غِشّ در معامله می باشد.

۴. مبـادله کردن – مثلاً- ده کیلـو روغن به دوازده کیلو، حرام و باطـل است؛ زیرا از جهت ربوی بودن، همه روغن هـا، جنس واحد محسوب شده و مصداق بیع ربوی خواهد بود.

۵. روغن هایی که از کشور های کفر وارد می شود، پاک است و استفاده از آن ها اشکال ندارد، به دو شرط:

الف) از بدن حیوانات نباشد؛

۱- توضیح المسا ئل محشی ، ج۲، ص۲۰۴.

ب) به متنجس بودن آن ها یقین نداشته باشیم.

مست کنندگی

در مورد خوردنی ها و نوشیدنی های مست کننده توجه به چند امر لازم می باشد :

۱. فقها فرموده اند: «کل مسکر حرام؛(۱) یعنی هر چیز مست کننده حرام است». بر این اساس، خرید و فروش خوردنی ها و نوشیدنی های مست کننده حرام و معامله باطل می باشد.

۲. اگر چیز مست کننده، در اصل خود(۲) مایع هم باشد، علاوه بر حرمت، نجس هم خواهد بود. بنابراین، شراب و هر چیزی که مانند آن از اول مایع بوده، حرام و نجس است؛ بدین صورت که اگر به فرش، لباس و... برسد، آن ها را متنجس می کند.

۳. در حرمت استفاده از خوردنی ها و نوشیدنی های مست کننده تفاوتی نیست بین این که:

الف) کم باشد یا زیاد؛ مثلاً فقها می فرمایند : اگر یک قطره شراب در یک پارچ آب بیفتد، نوشیدن آن آب جایز نیست؛

۱- این عین تعبیر روایت است (کافی، ج۶، ص ۴۰۷).
۲- نه این که در ابتدا جامد یا پودر بوده و بعدا آن را به صورت مائع در آورده باشند.

ب) پودر باشد یا جامد یا مایع یا گاز؛

ج) طبیعی باشد یا شیمیایی و مصنوعی؛

د) از انگور باشد یا خرما یا عسل یا غیر این ها؛

ه-) شب عروسی باشد یا در شب نشینی ها یا محافل دیگر؛

و) به طور خصوصی مصرف شود یا در ملأ عام.

آبجو

آبجو، نجس و نوشیدن آن حرام است و در حکم مزبور تفاوتی نیست بین این که در بازار مسلمان ها یافت شود یا در بازار کفار. نیز تفاوتی نیست بین این که تولید داخل کشور اسلامی باشد یا تولید خارج از آن.

البته فقها فرموده اند «ماء الشعیر» ی که در بازار مسلمان ها یافت می شود، پاک است و نوشیدن آن اشکال ندارد، مگر آن که یقین حاصل شود «آبجو» است.

آب میوه

اشاره

«آب میوه» دارای احکامی است:

۱. همه آب میوه ها پاک و خوردن آن ها حلال است؛ اعم از این که تولید داخل کشور باشند یا خارج از کشور؛

۲. آب میوه، پاک کننده اشیای نجس نیست و نیز

نمی توان با آن وضو گرفت یا غسل کرد؛

۳. اگر آب میوه متنجس شود، قابل تطهیر نیست؛

۴. چنانچه انگور یا آب آن، به جوش آید، حرام می شود؛ مگر این که دو ثلث آبِ آن تبخیر گردد. از این رو، آشپز های محترم نباید داخل غذای در حال جوشیدن، انگور یا آب انگور بریزند.

توضیح مطلب آن که مراجع تقلید فرموده اند: اگر انگور یا آب انگور جوش آید، چنین غذایی متنجس و مست کننده نیست؛(۱) ولی حرام می شود. حرمت این غذا تا وقتی باقی است که دو سوم آب آن تبخیر نشده باشد؛ ولی پس از این که دو سوم آبش تبخیر شد، حلال می گردد.

این مطلب مختص انگور و آب انگوری است که جوش آمدن آن معلوم باشد؛ و لذا موارد ذیل حلال است:

الف) غوره و آب غوره جوش آمده؛

ب) سرکه جوشیده؛

ج) خرما، کشمش و مویزپخته شده؛

د) غذایی که از جوش افتاده و سپس داخل آن، انگور یا آب انگور ریخته شود؛

۱- تنها یک نفر از فقها در زمان ما بنا بر احتیاط واجب به نجس شدن قائل می باشند که در این زمینه می توان از فقهایی که به طهارت قائل هستند، تقلید کرد.

ه-) لیمو و آب لیموی جوشیده؛

و انگور و آب انگوری که جوشش آن معلوم نباشد.

امام خمینی می نویسند: اگر معلوم نشود که آب انگور جوش آمده، حرام نیست، پس اگر انگور در غذایی بریزند و آن غذا جوش بیاید، چون معلوم نیست که آب داخل انگور جوش آمده، حلال است(۱)

سؤال: چنانچه فرض کنیم در یک کیسه غوره، چند خوشه انگور وجود داشته باشد، اگر چنین آب غوره ای به جوش آید، یا داخل غذای در حال جوش ریخته شود، آیا باز حرام خواهد شد؟

پاسخ: وجود چند دانه یا خوشه انگور، اشکالی ایجاد نمی کند تا وقتی که به آن، آب غوره گفته شود و از صدق آب غوره بودن، خارج نگردد.

فقها می فرمایند: اگر – مثلًا- در یک خوشه غوره یک یا دو دانه انگور باشد، چنانچه به آبی که از آن خوشه گرفته می شود، «آب غوره بگویند» و اثری از شیرینی در آن نباشد و بجوشد، پاک و خوردن آن حلال است(۲).

۱- نجاه العباد، ص ۳۴۰.

۲- توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۱۲۳

سه نکته

اول: در حکم مزبور (حرام بودن انگور و آب انگور به جوش آمده و نیز غذایی که در داخل آن، یکی از این دو ریخته شود) آتش خصوصیت ندارد، بلکه به هروسیله ای که جوشش حاصل شود، همان حکم مترتب می گردد؛ حتی اگر فرض کنیم به وسیله سرخ کردن انگور، جوشش پدید آید.

دوم: برخی از فقها مانند امام خمینی تفاوت گذاشته اند بین این که آب انگور به خودی خود جوش آید که در این صورت (بنا بر احتیاط) باید به سرکه تبدیل گردد تا حلال شود؛ و این که با آتش جوش بیاید که در این صورت با تبخیر شدن دو سوم آبِ آن حلال می شود(۱)

سوم: اگر انگور یا آب آن، به «شراب» تبدیل شود، حرام و نجس می شود؛ اعم از این که تبدیل شدن به شراب به وسیله آتش صورت گیرد یا خودبه خود یا به وسیله قرار گرفتن در نور خورشید و ضمناً حرمت و نجاست آن با تبخیر شدن دو سوم آب، از بین نمی رود؛ بلکه وقتی حلال و پاک می شود که به سرکه تبدیل گردد. در این صورت هم خودش پاک و حلال می شود و هم ظرفی که در آن قرار دارد، پاک می گردد و به شستن نیازی نیست(۲).

ص: ۹۴

۱- نجاه العباد، ص ۳۴۱

۲- توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۱۲۷

فصل هفتم: بهداشت

اشاره

از اموری که رعایت آن ها در سوپرمارکت ها و خواربار فروشی ها فوق العاده ضروری است، «رعایت بهداشت» است.

امروزه در عُرف، از مواد غذایی سالم، به «مواد غذایی بهداشتی» تعبیر می شود.

این، همان است که فقها از آن به عنوان «سلامت» تعبیر کرده اند و سالم بودن هر جنسی را لازم و واجب دانسته اند.

یادآوری این نکته ضروری می نماید که سلامت هرکالایی با همان جنس متناسب است. مثلاً تعریفی که از ماشین سالم ارائه می شود غیر از تعریفی است که از مواد غذایی

ص: ۹۵

سالم ارائه می گردد.

بایـد اذعـان داشت تشـخیص سالم و معیوب بودن هر جنسـی به عُرف همان صـنف بسـتگی دارد؛ چرا که آن ها کالای سالم و معیوب را بهتر می شناسند.

در زمـان مـا، تعریف دقیق خوراکی و نوشـیدنی سالم از ناسالم، بر عهـده «اداره بهـداشت» قرار دارد؛ زیرا با تنوع مواد غـذایی، تشخیص سالم بودن مواد غذایی به کار شناسی دانشگاهی و مناسب نیاز دارد.

از این جا می توان به اهمیت کار اداره بهداشت پی برد؛ چرا که سلامت عمومی جامعه و بهداشت مردم به دست آنان است.

در حقیقت، «شـرطِ سـلامت» و «بهـداشتی بودن» مواد غـذایی، «شـرطی ارتکازی» و به نوعی میان مردم مفروض است و کسـی تصور نمی کنـد که فروشـنده جنس ناسالم بفروشد و مشتریان نیز با این شـرط، به خرید اقدام می نمایند(1) لذا بر فروشندگان لازم و واجب است جنس سالم در اختیار مشتریان قرار دهند.

لازم است تأکید کنیم که اداره بهداشت نسبت به ردّ و تأیید سلامت و بهداشتی بودن کالا مسئول است؛ ولی حق جلوگیری از کسب و کار مردم را ندارد؛ مگر آن که تخلف

۱- . همان، ج ۲، ص ۲۳۸

از قـانون ثـابت شود. بر این اساس، کار منـدان بهـداشت به صـرف دریافت گزارش مبنی بر عـدم رعایت نکات بهـداشتی نمی تواننـد نسـبت به تعطیلی فروشـگاه اقـدام کننـد؛ بلکه لازم است آموزش و هـدایت نسـبت به مسائل بهداشتی را سـر لوحه و در اولویت کار های خود قرار دهند.

دولت اسـلامی نیز موظف است بر مأموران بهداشت و عملکرد آنان نظارت کند تا آنان به اخذ رشوه و ایراد گیری های بی جا در کارهای تجاری مبادرت نکنند و چنانچه نهادهای نظارتی با موردی از رشوه گیری یا رابطه بازی مأموران بهداشت برخورد کردند نسبت به ارجاع آنان به مراجع قضایی اقدام کنند.

مصادیق بهداشت

شایـد «مصادیق نکات بهـداشتی» امری بدیهی به نظر آید؛ ولی طرح برخی از مصادیق خالی از فائده نیست که به چند مصداق اشاره می شود:

۱. بعضـی از خوراکی ها به گونه ای است که نباید بدون دسـتکش به آن ها دست زد. بنا بر این، فروشندگان در سوپرمارکت ها، خواربار فروشی ها و بقالی ها، لازم است به نکته مذکور توجه داشته باشند.

۲. فروشندگان محترم، لازم است پس از سرویس

بهداشتی، دست های خود را با آب و صابون بشویند.

۳. بعضـی از خوراکی هـا طوری است که اگر روی زمین بریزد، جمع کردن آن ها از روی زمین، امری خلاف بهـداشت تلقی می شود. در این زمینه رعایت دقت لازم است.

۴. لازم است فروشـندگان محترم از مخلوط شدن خوراکی ها و نوشیدنی ها با مواد فاسد یا غیر خوراکی و نوشیدنی، جِداً جلو گیری کنند.

۵. حشرات گرچه پاک هستند؛ نشستن آن ها بر روی مواد غذایی خوراکی ها، قابل اغماض نیست.

۶. برخی از خوراکی هـا و نوشـیدنی ها لزوماً می بایست در یخچال یا فریزر نگهـداری شود؛ غفلت از این امر قطعاً با بهداشـت منافات دارد.

سخنی با اداره بهداشت

کسانی که در مراکز نظارتی بهداشتی تلاش می کنند لازم است به اموری توجه ویژه داشته باشند:

اول: مسـئولینی که به فروشـگاه هـای مواد غـذایی سرکشـی می کننـد، لازم است دقت مناسب را به کار برده از هرگونه پارتی بازی و «گزینه ای» عمل کردن خودداری کننـد؛ وگرنه درآمـد و کسب آنان حرام خواهد بود؛ زیرا ایشان برای تأمین سـلامت عمومی استخدام شده؛ لذا موظف هستند

همسو با آنچه برای آن به کار گرفته شده اند، به طور صحیح انجام وظیفه کنند.(۱)

دوم: از افراط و تفریط خود داری کرده؛ بر اساس آنچه به طور متعارف قانون در دستور کار خود دارند، مشی کنند. در غیر این صورت، یا ظلم بر صنف فروشندگان مواد غذایی نموده، یا ستم بر مصرف کننده روا داشته اند.

سوم: دریافت رشوه و کتمان حقیقت، از گناهان بزرگ به شمار می رود. خدمت گذاران بهداشت عمومی لازم است به این نکته توجه داشته باشند که چنانچه آنان، حقی را باطل جلوه دهند و یا باطلی را به صورت حق نمایان سازند، در آمد حرام دارند.

به این حدیث توجه نمایید: قَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله: «الرَّاشِي وَ الْمُرْتَشِي وَ الْمَاشِي بَيْنَهُمَا مَلْعُونُونَ(۲). رشوه دهنده و رشوه گیرنده و کسی که بین آن دو وساطت، می کند ملعون می باشند».

چهارم: دروغ و گزارش نادرست به مقامات قضایی و به کار بردن حُب و بغض ها، هم گناه است، هم ضمان آور.

۱- همه فقیهان بزرگوار بر این فتوا می باشند که اجیر باید طبق قرار داد خود عمل نموده در کار خود کوتاهی نکند.

۲- بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۲۷۴.

فصل هشتم: کم فروشی

اشاره

از مباحث عمده در باب معاملات که در همه مشاغل و مسئولیت ها؛ از جمله با سوپرمارکت ها و خواربارفروشی ها ارتباط مستقیم دارد، مسئله «کم فروشی» است.

در این زمینه نکاتی مشروحاً بیان می گردد:

کم فروشی از منظر قرآن

برای پی بردن به بزرگی گناه کم فروشی کافی است این نکته را از منظر قرآن بنگریم:

۱. سوره ای از قرآن به «مطففین» (کم فروشان) اسم گذاری شده و همگان را از این معصیت، بیم داده است. در آغاز سوره آمده است:

ص: ۱۰۱

«وَيْلٌ لِلْمُطَفِّفينَ الَّذينَ إِذَا اكْتالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ وَ إِذا كالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ أَ لا يَظُنُّ أُولئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ لِيَوْمٍ عَظيمٍ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعالَمينَ»،(۱) وای بر کم فروشان! آنان که وقتی برای خود پیمانه می کنند، حق خود را به طور کامل می گیرند؛ امّا هنگامی که می خواهند برای دیگران پیمانه یا وزن کنند، کم می گذارند! آیا آن ها گمان ندارند که برانگیخته می شوند؛ در روزی بزرگ؛ روزی که مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان می ایستند(۲)!؟

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند:

خداوند در مورد «کیل»، فرموده است: «وَيْلٌ لِلْمُطَفِّفِينَ». کلمه «ویل» از منظر قرآن در مورد کسی به کار نمی رود، مگر این که او کافر به شمار رود(۳)؛ زیرا خدای عز و جل می فرماید: «فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ

۱- مطففین: ۱-۶.

۲- ترجمه آیت الله مکارم.

۳- کافی، ج ۲، ص ۳۱: و أنزل فی الکیل «وَيْلٌ لِلْمُطَفِّفِينَ» و لم یجعل الویل لأحد حتی یسمیه کافرا، قال الله عز و جل: فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ.

مَشْهَدِ یَوْمٍ عَظِیمٍ».(۱)

البته بدیهی است مقصود امام باقر علیه السلام، آن نیست که شخص کم فروش کافر فقهی است، بلکه کنایه از بزرگی گناه آن است.

۲. «وَ السَّماءَ رَفَعَها وَ وَضَعَ الْمیزانَ أَلاَّ تَطْغَوْا فِی الْمیزانِ وَ أَقیمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَ لا تُخْسِرُوا الْمیزانَ(۲)»؛ و خداوند آسمان را برافراشت و میزان و قانون گذاشت، تا در میزان طغیان نکنید (و از مسیر عدالت منحرف نشوید)، و وزن را بر اساس عدل برپا دارید و میزان را کم نگذارید!

۳. «وَ أَوْفُوا الْکَیْلَ إِذا کِلْتُمْ وَ زِنُوا بِالْقِسْطاسِ الْمُسْتَقیمِ ذلِکَ خَیْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْویلاً(۳)»؛ و هنگامی که پیمانه می کنید، حق پیمانه را ادا کنید، و با ترازوی درست وزن کنید! این برای شما بهتر و عاقبتش نیکوتر است.

۱- مریم: ۳۷: «وای به حال کافران از مشاهده روز بزرگ]قیامت[»

۲- الرحمن: ۷-۹.

۳- إسراء: ۳۵

کم فروشی در تاریخ

اشاره

ذکر دو نمونه تاریخی از کم فروشان، می تواند پلید بودن این عمل را بیشتر بیان کند:

الف) قوم حضرت شعیب علیه السلام

بر اساس گواهی قرآن و تاریخ، لبه تیز مبارزه حضرت شعیب (علی نبینا و آله و علیه السلام) بعد از مبارزه با شرک، متوجه کم فروشی بود. سرانجام آن قوم ستمگر به دلسوزی های شعیب اعتنایی نکردند و به عذاب شدید الاهی گرفتار و نابود شدند. قرآن می فرماید:

«وَ إِلی مَدْیَنَ أَخاهُمْ شُعَیْباً قالَ یا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ ما لَکُمْ مِنْ إِلهٍ غَیْرُهُ قَدْ جاءَتْکُمْ بَیِّنَهٌ مِنْ رَبِّکُمْ فَأَوْفُوا الْکَیْلَ وَ الْمیزانَ وَ لا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْیاءَهُمْ وَ لا تُفْسِدُوا فِی الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلاحِها ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنینَ(۱)»؛ و به سوی مدین، برادرشان شعیب را فرستادیم [گفت: ای قوم من! خدا را بپرستید، که جز او معبودی ندارید! دلیل روشنی از طرف پروردگارتان برای شما آمده است. بنا بر این، حق پیمانه و وزن را ادا کنید و از اموال مردم چیزی نکاهید! و در روی زمین، بعد از

۱- اعراف: ۸۵

آن که{ در پرتو ایمان و دعوت انبیا }اصلاح شده است، فساد نکنید. این برای شما بهتر است. اگر با ایمان هستید..

ب) مردم مدینه قبل از هجرت

مردم مدینه قبل از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، بسیار کم فروش بودند؛ ولی پس از نزول آیات سوره مطففین از روش خود برگشتند. نقل شده است شخصی در مدینه به نام «ابوجهینه» دارای دو پیمانه بود که از یکی هنگام خرید استفاده می کرد و از دیگری وقت فروش!(۱)

مصادیق کم فروشی

نمی توان کم فروشی را به مصادیق خاصی منحصر کرد؛ زیرا انواع خیانت ها در مقام معامله (به خصوص با ابزارهای پیشرفته ای که در زمان ما وجود دارد) به حدی است که شاید نتوان فهرستی برای آن ها ارائه کرد و چه بسا براساس فرموده قرآن: بَلِ الْإِنْسانُ عَلی نَفْسِهِ بَصیرَهٌ وَ لَوْ أَلْقی مَعاذیرَهُ؛(۲) انسان خودش از وضع خود آگاه است، هر چند]در ظاهر[برای خود عذرهایی بتراشد!»؛

ص: ۱۰۵

۱- مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۶۷۸

۲- قیامه: ۱۴.

در بسیاری از موارد انسان زیرکانه! کم فروشی می کند و چه بسا جز خدا و خودش کسی به آن آگاه نباشد.

بر این اساس، مشخص است که فروش چه چیزهایی و نیز انجام دادن چه کارهایی «کم فروشی» محسوب می گردد، ولی از باب نمونه مواردی را بیان می داریم:

۱. ریختن آب در شیر؛

۲. ریختن آب در آب لیمو؛

۳. ریختن آب در آب میوه و هر مایع دیگر؛

۴. کم کردن وزن کالا، مثل این که به جای ۱۰۰۰گرم، نهصد گرم بکشد؛

۵. مخلوط کردن جنس خوب و بد و فروختن به عنوان جنس مرغوب؛

۶. کمتر بودن وزن کالا نسبت به مقداری که روی آن نوشته شده است؛

۷. قرار دادن مرغ ذبح شده در آب تا داخل آن آب برود و سنگین شود؛

۸. دست کاری کردن ترازو و بر هم زدن نظم آن.

غِش در معامله

«غِشّ» در معامله، یکی از مصادیق کم فروشی به حساب می آید که در سابقه ای بسیار طولانی داشته و بر حسب

اجناس مختلف دارای انواع گوناگون است.

بدیهی است غِشّ، دارای «تعریف شرعی» نبوده بلکه از منظر عرف تفسیر می شود.

غِشّ، عبارت است از هر نوع خیانت و فریبی که در مورد کالا یا عوض آن صورت گیرد.

البته از آن جا که در زمان حاضر، معاملات به وسیله پول انجام می شود، اصطلاح «غِشّ» بیشتر در مورد جنس فروخته شده (مبیع) به کار می رود نه بهای آن.

معصومین علیهم السلام در زمینه «غِشّ»، حساسیت نشان داده و مردم را از آن بر حذر داشته اند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم، غِشّ کننده را جزء مسلمان ها به شمار نیاورده، فرموده اند: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ غَشَّ مُسْلِماً»(۱)

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

زینب حولاء(۲)، عطر فروش نزد زنان پیامبر آمده بود. در این هنگام، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم تشریف آوردند و ملاحظه کردند زینب نزد زنان ایشان است. آن حضرت خطاب به زینب فرمودند: هنگامی که به خانه ما می آیی، اتاق های ما خوشبو می شود!

۱- من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۷۳.

۲- لوچ چشم.

زینب گفت: اتاق های تو به بوی خودت خوشبوتر است، ای پیامبر خدا! حضرت فرمودند: هر گاه می فروشی احسان کن و غش انجام مده. این روش به تقوا نزدیک تر و برای ماندن مال و برکت داشتن آن [بهتر است(۱).].

ناخالصی

اشاره

برخی از اجناس، ناگزیر همراه «ناخالصی» است، مانند بسته های بزرگ یا کوچک پنیر که مقداری آب در آن ها وجود دارد.

سؤال این است که آیا ناخالصی های مزبور، «عیب» یا «غِشّ» محسوب شده و معامله را دارای اشکال می کند یا نه؟

پاسخ این است که نا خالصی های موجود دو دسته اند:

الف) ناخالصی به مقدار متعارف: مانند این که در یک کیلو پنیر، فلان مقدار آب لازم است، در این صورت معامله به قوت خود باقی است و خدشه ای بر آن وارد نمی گردد.

ص: ۱۰۸

۱- کافی، ج ۵، ص ۱۵۱: «عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ جَاءَتْ زَیْنَبُ الْعَطَّارَةُ الْحَوْلَاءُ إِلَی نِسَاءِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله وسلم فَجَاءَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله وسلم فَإِذَا هِیَ عِنْدَهُمْ فَقَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله وسلم إِذَا أَتَیْتِنَا طَابَتْ بُیُوتُنَا فَقَالَتْ بُیُوتُکَ بِرِیحِکَ أَطْیَبُ یَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وسلم إِذَا بِعْتِ فَأَحْسِنِی وَ لَا تَغُشِّی فَإِنَّهُ أَتْقَی لِلَّهِ وَ أَبْقَی لِلْمَالِ».

ب) ناخالصی بیش از قدر متعارف: در این صورت مشتری می تواند معامله را برهم زند یا تفاوت قیمت بگیرد.

استفتاء از آیت الله گلپایگانی

از تهران ۱۹ کیلو پنیر خریدم؛ در قم کشیدم، ۳ کیلو کسر آمد؛ یعنی در یخچال تهران از شدت برودت آب در جسم پنیر یخ بسته بود و در راه آب شده و سه کیلو آب خالص در آمده در این صورت فروشنده مدیون بنده هست یا خیر؟

جواب: اگر آب پنیر بیش از حد متعارف نبوده حقی به فروشنده ندارید(۱).

ص: ۱۰۹

۱- مجمع المسائل، ج ۲، ص ۲۸

فصل نهم: برهم زدن معامله

اشاره

یکی از مباحث معاملات، «پس آوردن» جنس یا به تعبیر فقهی، «فسخ معامله» می باشد. در برخی از فروشگاه ها نوشته اند: «جنس فروخته شده پس گرفته نمی شود». مباحثی در این زمینه شایسته طرح است:

لزوم

یکی از خصوصیات خرید و فروش این است که پس از عقد معامله، معامله «لازم» است و نمی توان آن را بر هم زد.

به تعبیر دیگر: زمینه اولیه در همه خرید و فروش ها، التزام به آن ها و عدم فسخ است؛ مگر آن که امری بر خلاف آن پیش آید.

ص: ۱۱۰

علامه حلی[1] در زمینه لزوم معاملات استدلالی نیکو بیان نموده، می فرماید:

۱. غرض از مشروعیت معاملات، نقل و انتقال و تبادل املاک می باشد و چنانچه هر یک از فروشنده و خریدار، هرگاه اراده کنند، بتوانند معامله را بر هم زنند، هدف مزبور به دست نخواهد آمد.

۲. هدف فروشنده و خریدار این است که بتوانند در آن چه بدان ها منتقل شده، تصرف کنند[2] و این مقصد در موردی به دست می آید که آن دو در امنیت کامل بوده، بتوانند بر ملکیت خود اعتماد کنند.

قابل ذکر است که آنچه علامه حلی بیان فرموده، مورد اتفاق فقها و مراجع تقلید است و هیچ یک از دانشمندان فقه، در آن خدشه ای وارد نکرده است.

بر این اساس، قانون اولیه در تمام انواع خرید و فروش ها این است که پس از انجام معامله نمی توان آن را بر هم زد.

۱- متوفای ۷۲۶ ه- ق.

۲- تذکره الفقها، ج ۱۱، ص ۵: «الأصل فی البیع اللزوم، لأنّ الشارع وضعه مفیداً لنقل الملک من البائع إلی المشتری، و الأصل الاستصحاب، و الغرض تمکّن کلٍّ من المتعاقدین من التصرّف فیما صار إلیه، و إنّما یتمّ باللزوم لیأمن من نقض صاحبه علیه».

استثنا

قانون لزوم در معاملات، دارای سه استثنا است:

۱. اصل معامله از سوی دین، به صورت «عقد جایز» (عقدی که یکی از دو طرف بتواند آن را فسخ کند) وضع شده باشد. مانند عقد «جُعاله(۱)» و «هبه(۲)».

۲. عقد لازم باشد؛ ولی دو طرف معامله (فروشنده و خریدار) توافق کنند معامله را به هم زنند که از آن به «اقاله» تعبیر می گردد(۳).

۲. عقد لازم باشد؛ ولی یکی از مجوّز های چهارده گانه که از آن ها در اصطلاح فقهی، به «خیارات» تعبیر می شود، وجود داشته باشد.

۱- عقدی که در آن، طرف قرار داد، معین نیست مانند این که فردی اعلام کند هرکس ماشین من را پیدا کند، مژدگانی دریافت می کند.

۲- «هبه» عبارت است از: بخشیدن مال به دیگری. این عقد، هر لحظه قابل فسخ است، به جز در چهار مورد: ۱. کسی که مال به او بخشیده شده در آن تصرف کند؛ ۲. هبه معوضه باشد، یعنی هر یک از طرفین، مالی را متقابلا به یکدیگر هدیه دهند؛ ۳. کسی که مالی به او بخشیده شده رحم (قوم و خویش نسبی) باشد؛ ۴. مال هدیه شده از جانب شوهر به همسرش یا به عکس باشد. (الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه، ج ۳، ص ۱۹۴).

۳- قابل ذکر است که « اقاله » در همه عقود جریان ندارد؛ مثلاً ـ عقد نکاح و زوجیت را بااقاله نمی توان برهم زد؛ بلکه اگر عقد دائم باشد، با اجرای طلاق و اگر عقد موقت باشد با گذشت یا بخشیدن مدت از جانب زوج، قابل برهم خوردن است.

در غیر سه صورت مزبور، معامله لازم و قطعی است و دو طرف باید بر قرار خود باقی بمانند.

مجوز های چهارده گانه برای فسخ

اشاره

فقها چهارده گونه حق فسخ بیان کرده اند:

۱. حق فسخ مجلس

فروشنده و خریدار تا وقتی در مجلس (جایی که در آن جا خرید و فروش انجام شده است، مانند مغازه و فروشگاه) هستند، می توانند معامله را بر هم زنند. قابل ذکر است چنانچه بایع و مشتری با هم از مجلسی که در آن، بیع انجام شده است، خارج شوند، ولی هنوز از هم فاصله نگرفته اند؛ این اختیار به حال خود باقی است.

۲. حق فسخ غبن

اگر فروشنده به کمتر از قیمت بازار بفروشد یا مشتری گران تر از قیمت بازار بخرد و پس از معامله متوجه این نکته شوند؛ در این صورت، هر کدام که مغبون شده است می تواند معامله را بر هم زند به شرط آن که تفاوت، قابل توجه باشد و در هنگام معامله از نرخ بازار اطلاع نداشته اند.

۳. حق فسخ عیب

چنـانچه جنس، یا آن چه در مقابل آن پرداخت می شود معیوب باشـد و طرف مقابل اطلاع نداشـته باشـد، او می توانـد تفاوت قیمت بگیرد یا معامله را بر هم زند. تذکر لازم این که تشخیص «عیب» به نظر عرف یا کار شناس است.

۴. حق فسخ شرط

فروشـنده و خریـدار می توانند در ضـمن قرار داد، شـرط جواز فسخ بگذارند؛ بدین معنی که هر دوی آنان می توانند زمانی را برای فسخ احتمالی معین کنند. این حق می تواند برای یکی از آن ها نیز اختصاص یابد.

۵. حق فسخ تخلف شرط

چنانچه در قرار دادبیع، چیزی ضـمن عقد، شـرط گردد و آن شرط حاصل نشود، طرفی که به نفع او شرط شده است می تواند معامله را فسخ کند. مثلاً اگر فروشـنده، ضـمن فروش خانه شـرط کند که مشتری علاوه بر پول خانه، باید فلان فرش خود را به فروشـنده هدیه دهد و مشتری هم بپذیرد؛ چنانچه بعداً مشتری به هدیه دادن فرش خود حاضر نگردد، فروشنده می تواند معامله خـانه را بر هم زنـد. هم چنین اگر شـرط شود که جنس فروخته شـده یـا آن چه در مقـابلش پرداخت می گردد، دارای کیفیتی خاص باشد و بعداً معلوم

ص: ۱۱۴

شود آن کیفیت وجود ندارد.

۶. حق فسخ تدلیس

اگر یکی از دو طرف معامله، مال خود را بهتر از آنچه هست، نشان دهد؛ به طوری که قیمت مال در نظر مردم زیاد شود؛ در این صورت، طرف مقابل پس از اطلاع می تواند معامله را فسخ کند.

۷. حق فسخ رؤیت

اگر مشتری جنسی را که در صدد خرید آن است، ندیده، بلکه برای او توصیف کرده اند و پس از خریدن، ملاحظه کند ویژگی هایی که برای او بیان کرده اند وجود ندارد؛ مشتری می تواند بیع را بر هم زند. همین طور است اگر مشتری قبلاً آن جنس را دیده و بر همان اساس بخرد و پس از معامله ملاحظه کند که جنس تغییر کرده و اوصافی را که قبلاً دیده است وجود ندارد.

آن چه نسبت به بایع گفته شد، در مورد چیزی که به وی منتقل می گردد نیز جریان دارد.

۸. حق فسخ تبعّض صفقه

اگر مشتری مثلاً دو جنس را با هم خریداری کند و به هر علتی یکی از دو آن جنس قابل تحویل گرفتن نباشد،

مشتری مُلزَ م نیست جنس دیگر را خریداری کند بلکه می تواند معامله در مورد جنس دیگر را هم فسخ کند.

۹. حق فسخ تأخیر

اگر جنس خاصی فروخته شده، ولی هنوز تحویل مشتری نگردیده است و شرط تأخیر در پرداخت کالا یا عوض آن نشده باشد، در این صورت، تا سه روز معامله لازم است و اگر مشتری در این سه روز مراجعه کرد، نسبت به آن کالا اولویت دارد؛ ولی پس از سه روز، فروشنده می تواند معامله را فسخ کند و آن جنس را به دیگری بفروشد.

۱۰. حق فسخ حیوان

اگر جنس فروخته شده یا آن چه در مقابل جنس فروخته شده پرداخت می گردد، حیوان باشد؛ هر کسی که حیوان به او منتقل می گردد تا سه روز حق فسخ معامله را دارد.

۱۱. حق فسخ شرکه

چنانچه فروشنده یا خریدار پس از قرار داد متوجه شود در مالی که به او منتقل شده با شخص دیگری شریک شده، می تواند شراکت را نپذیرفته، معامله را بر هم زند.

۱۲. حق فسخ تعذر تسلیم

هرگاه جنس یا عوض آن، از قابلیت پرداخت و تحویل

ص: ۱۱۶

خارج گردد، طرف مقابل می توانـد معامله را بر هم زنـد؛ مثل این که ماشـین سـرقت شود یا پرنده پرواز کند و قابل دسترسـی نباشد.

۱۳. حق فسخ آنچه زود فاسد می شود

اگر جنس فروخته شـده از اشـیایی است که زود فاسـد می شونـد در این صورت، چنانچه مشتری برای بردن آن اقـدام نکنـد و فروشـنده ملاحظه کنـد که آن چیز فاسـد خواهـد شد، می تواند آن را به دیگری بفروشد؛ گرچه پول آن را از مشتری دریافت کرده باشد. البته باید پول مشتری اول را به وی برگرداند.

۱۴. حق فسخ تفلیس

اگر فروشنده پول را از مشتری دریافت نکرده و پس از معامله متوجه شود مشتری «مُفَلِّس» شده است، در این صورت او بین دو گزینـه مخیر اسـت: یکی ایـن کـه معـامله را بر هم زده جنس فروخته شـده را از وی بـاز پس گیرد و دیگری این که به معـامله وفـادار بمانـد و برای دریـافت پول خود در کنـار بقیه طلبکـاران صبر کنـد، که در این صورت، یکی از طلبکاران محسوب می شود تا هروقت سهم هر یک از طلبکاران پرداخت شود، سهم او نیز پرداخت گردد.

استحباب اقاله

«اقاله» عبارت است از این که چنانچه یکی از دو طرف معامله (فروشـنده یا مشتری) از معامله خود پشیمان شود و تقاضای فسخ کند، طرف مقابل این تقاضا را بپذیرد که البته این کار از نظر فقها امر مستحبی است.

اینک ابراز می داریم فقها فرموده اند: قبول تقاضای طرف مقابل و فسخ معامله مستحب است.

به این روایت توجه کنید:

عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

أَیُّمَا عَبْدٍ أَقَالَ مُسْلِماً فِی بَیْعٍ أَقَالَهُ اللَّهُ تَعَالَی عَثْرَتَهُ یَوْمَ الْقِیَامَهِ(۱)؛ امام صادق علیه السلام فرمودند: شخصی که به تقاضای طرف مقابل اقاله نموده، معامله را برهم زند، خداوند نیز لغزش ها و گناهان وی را در روز قیامت خواهد بخشید..

ص: ۱۱۸

۱- کافی، ج ۵، ص ۱۵۳

فهرست منابع

۱.قرآن مجید.

۲. قراگزلو،علیرضا، اسباب النزول، نشر نی، تهران، ۱۳۸۳ش.

۳.استفتائات، آیت الله بهجت، نشر دفتر آیت الله بهجت، ۱۴۲۸ق.

۴.استفتائات جدید، آیت الله مکارم،ناصر، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام،قم، ۱۴۲۷ق.

۵.علامه مجلسی، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء.

۶. خمینی، روح الله، توضیح المسائل محشی،قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۴ق.

۷. خمینی،روح الله، تحریر الوسیله، مؤسسه دار العلم.

۸.علامه حلی، تذکره الفقها، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۱۴ق.

۹.خمینی،روح الله، توضیح المسائل، ۱۴۲۶ق.

۱۰قطب راوندی، الخرائج و الجرائح، مؤسسه امام مهدی، قم، ۱۴۰۹ق.

ص: ۱۱۹

۱۱.شهید ثانی، الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه، کتاب فروشی داوری،قم، ۱۴۱۰ق.

۱۲.علامه حلی، قواعد الاحکام فی مسائل الحلال و الحرام،قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ق.

۱۳.کلینی، کافی، دار الاسلامیه، تهران.

۱۴.قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال، نشر دلیل، ۱۳۷۹ ش.

۱۵.حکیم، سید محسن، منهاج الصالحین، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۱۰ق.

۱۶.طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن،تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.

۱۷.شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.

۱۸.مجمع المسائل آیت الله گلپایگانی، دار القرآن الکریم، قم، ۱۴۰۹ق.

۱۹. خمینی، روح الله، نجاه العباد، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۲ق.

۲۰.حر عاملی، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۹ق.

ص: ۱۲۰

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹